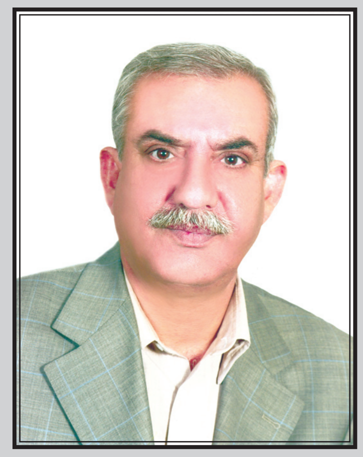
نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال دوازدهم – شماره ٥٦٥ – یک شنبه ١٩ مهر ماه ١٣٨٨ – ٨ صفحه – ٢٥٠ تومان

هشدا به سرهنگ فوتبال بوشهر



روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران یاد باد
کامم از تلخی چون زهر گشت
بانگ نوش شادخواران یاد باد



پنجمین سالگرد درگذشت شادروان

عبدالرحیم آل یاسین

را گرامی می داریم. پانزدهم مهرماه هر سال یادآور روزهای سخت تنها شدنمان است. ما هنوز ناباورانه می نگریم آینه ی زنگار گرفته دلمان را و صفا و پاکی و مهربانیت که تکرار ناپذیر شد بدون تو، محنت لحظه های بی تو بودن را به دوش می کشیم ولی نام و یادت جاودانه لحظه لحظه ی زندگیست.



لب تشنه بر لب دریایی از گاز

شرکت نفت چشمان خود را به این مشکل عظیم بگشاید

دکترحسن حسن زاده :

اگر غفلت کنیم به سرنوشت مسجد سلیمان دچار می شویم



صفحه٣

خلوت حافظ و حافظ خلوت گزین

دکتر سید جعفر حمیدی



صفحه٤

ذهن مربی شاهین قفل شده است

مجید اصلانی



صفحه٧

آگهی حراج حضوری در بوشهر

صفحه ٢

خبر
شماره ۵۶۵ یک شنبه ۱۹ مهر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

دیگر از انگشتانِ هنرمند و ریزباف، خبری نیست!

بررسی مشکلات گبه بافی در استان بوشهر

گزارش از بهاره عالی پور

شاید امروز، فرش ایرانی از جایگاه ویژه ای در دنیا و بین ملل گوناگون برخوردار باشد؛ فرش دستباف ایرانی زبانزد خاص و عام بوده و از همه لحاظ مورد تعریف و تمجید قرار می گیرد و این موضوع برای کشوری که مملوء از مردمی هنرمند می باشد قابل ستایش است اما آنچه برای ما مهم می باشد این است که استان بوشهر هم یکی از بهترین تولیدکنندگان گبه در سطح کشور است و این می تواند برای هر بوشهری یک افتخار تلقی شود غافل از آنکه بدانیم خود تولیدکنندگان عطایش را به لقایش بخشیده اند چون برای ادامه کار حمایت کننده ای نمی یابند.

این فرش ها و گبه ها درست نمی شود مگر با دستان ریز بافی، که ساعتها وقت را صرف بافتن تار و پودهایی می کنند که خریدار و یا هر فردی را مسحور خودش می کند و آن نتیجه ای نیست جزء یک فرش دستباف ایرانی.

عدم پرداخت تسهیلات به آنها، نبود بیمه و کمک های بیمه ای در مواقع اضطراری و در معنای کلی عدم حمایت کافی، هنرمندان فرش باف را از علاقه شان دور کرده و روز به روز این فاصله بیشتر شده در حالیکه آنها هنوز رگه هایی از امید در دلشان وجود دارد تا نهادی برای کار آنها، ارزش قائل شود و حمایتشان کند.

در این میان شاید زحمات هنرمندانی که این هنر اصیل را خلق می کنند خیلی به چشم نیاید، شاید ۳ یا ۴ ماهی را که تعدادی از بانوان ریز نقش و ظریف باف برای درست کردن یک فرش ۶ متری صرف می کنند، دیده نشود و شایدٍ خستگی ها و کمبودهایی که دارند هم دیده نشود و مطمئناً همینطور است، این را نمایندگانشان می گویند...

در ادامه صحبت های دو تن از روسای اتحادیه های فرش شهرستان دشتستان و گناوه را به نمایندگی از فرش بافان این دو ناحیه می خوانید:

میترا جوکار رئیس اتحادیه فرش دستباف دشتستان، ۴ سال است که ریاست این اتحادیه را بعهده گرفته و به زودی انتخابات دور دوم ریاست این اتحادیه برگزار می گردد. جوکار اولین رئیس اتحادیه می باشد که در این میان با مشکلاتی مواجه بود.

اتحادیه فرش دستباف دشتستان ۲۵۰۰ نفر از مردان و زنان دشتستانی را تحت پوشش خود قرار داده است که بیشتر این افراد هم بانوان هستند.

با برگزاری اولین دوره از انتخابات ریاست اتحادیه فرش بافان میترا جوکار به عنوان اولین رئیس، کار خود را در این اتحادیه شروع کرد. او از مشکلات خود و زیرمجموعه اش سخن می گوید.

تنها ۱درصد از مبلغ تسهیلات وعده داده شده را پرداختند

رئیس اتحادیه فرش بافان دشتستان، از اولین اقداماتی که بعد از ریاست انجام داده بود سخن می گوید:«بعد از انتخاب شدن، اولین کارمان در اتحادیه تمدید کارتهای صنایع دستی و بازرگانی و صدور کارت از خود اتحادیه بود و چند ماه بعد از شروع بکارمان، سازمان بازرگانی از ما خواست که برای بافندگان پرونده سازی کنیم ولی متأسفانه از ۱۰۰ یا ۲۰۰ پرونده ارسالی به سازمان بازرگانی، تعداد اندکی در حد زیر ۱۰ پرونده موفق به گرفتن تسهیلات شدند و شاید تنها ۱درصد از مبلغی را که برای اعطای تسهیلات به ما قول داده بودند، پرداخت کردند و ما با اعتراض شدید بافندگان روبرو شدیم.»

صدور کارت های قالی بافی برای بافندگان، برگزاری ۶ دوره کلاس های بِه بافی و پر کردن فرم های سهام عدالت در پرونده ۴ ساله کاری این اتحادیه می باشد.





برای اسکان اتحادیه با مشکل مالی مواجه ایم!

میترا جوکار در خصوص مشکلات موجود بر سر راه اتحادیه اش می گوید: «متاسفانه هیچ گونه کمکی از طرف نهادهای مربوطه به جزء مجمع امور صنفی (که کمک زیادی در این راستا انجام داد) به اتحادیه و اعضای آن که اکثراً بانوان بافنده دشتستانی هستند صورت نگرفته است و از آنجا که هر اتحادیه موظف است از درآمد هزینه خود مکانی را برای استقرار در نظر گیرد متاسفانه اتحادیه فرش بافان دشتستان به دلیل مسائل مالی، در ماه های اخیر نتوانسته جایی را برای اسکان پیدا کند.»

وی با بیان اینکه بازار فرش در چند سال اخیر با رکود چشمگیری مواجه بود عنوان کرد: «بازار فرش در چند سال گذشته با رکود بسیار شدیدی مواجه بوده به خصوص فرش دستباف و این باعث شده که دیگر از انگشت های هنرمندِ ریز باف خبری نباشد و متأسفانه همه به گبه بافی روی آورده اند که همین مقدارِ کم هم نابود شده و از بین رفته است.»

دولت دیگر از بافندگان حمایت نمی کند

جوکار در ادامه از عدم حمایت دولت در سالهای اخیر اشاره سخن به میان می آورد و می افزاید:«دولت از سالِ های اخیر، دیگر از بافندگان حمایت نمی کند در حالیکه قبلاً با اعطای وام و دیگر تسهیلات هر چند ناچیز تا حدودی بافندگان را حمایت می کردند و این باعث می شد بازار فرش از رونق نیفتد.»

جوکار می گوید:«گبه بافی هم در استان کم و بیش رواج دارد و بوسیله تاجران و بازرگانان فارسی انجام می شود که بیشتر تولید گبه در ۳ شهر گناوه و حومه آن، تنگ ارم و حومه آن و بخش بوشکان تولید می شود که در این میان، صد درصد کار گبه بافان، با تاجران استان فارس می باشد.»

یک نفر هم موفق به دریافت تسهیلات از بانک نشد

وی در ادامه از کم لطفی بانک ها در جهت اخذ وام بافندگان گلایه می کند و می افزاید: «برای رفع مشکلاتمان به خصوص اخذ تسهیلات پیگیری های بسیاری انجام دادیم از جمله اینکه پرونده های فرش بافان را به بانک کشاورزی مرکزی برازجان دادند که متاسفانه یک نفر هم موفق به دریافت این تسهیلات نشد در حالیکه قول وام ۱۰–۱۵ میلیون تومانی را به ما داده بودند اما یک ریال آن هم بدست متقاضیان نرسید در صورتیکه تعداد زیادی از همین بافندگان بیشتر مراحل پرونده را طی کرده بودند؛ به عنوان مثال افتتاح حساب در بانک کشاورزی انجام شده بود اما بعد از یکسال بدون اینکه وامی پرداخت شود، اعلام کردند که می توانید پولتان را پس بگیرید و حساب هایتان را ببندید؛ بانک صادرات هم بعد از تصویب ۵ میلیون تومان فقط ۳/۵ میلیون را با آورده یک میلیون تومانی پذیرفت و به متقاضیان پرداخت کرد و بنده با انجام پیگیری های زیاد و مراجعه به سازمان بازرگانی، دادن نامه به مدیریت بانک کشاورزی و به قول سازمان بازرگانی مطرح کردن این موضوع در استانداری، پیگیری موضوع شدم ولی هیچ کدام از مشکلات ما حل نشد.»

وی در پایان تقاضای خود را اینگونه بیان کرد: «ما زیر مجموعه سازمان بازرگانی هستیم و انتظار داریم که از طرف این نهاد دولتی حمایت شویم. طرح های زودبازده را دوباره فعال کنند، پیگیر تسهیلات بافندگان ما باشند و برای بافندگان ارزش قائل شوند و به آنها بهاء دهند.»

اتحادیه نمی تواند از پسِ حداقل توقع یک بافنده هم بَر آید

در همین خصوص با لیراوی رئیس اتحادیه فرش دستباف گناوه هم گفت و گو کردیم و او هم حرفهای زیادی برای گفتن داشت. در زیر به بخشی از این صحبت ها اشاره می کنیم.

لیراوی هم که به مدت ۴ سالِ ریاست اتحادیه را بعهده دارد با مشکلات فرش بافان کاملاً آشناست و می گوید: «۳۵۰۰ نفر از بانوان گناوه و روستاهای اطراف آن عضو اتحادیه فرش بافان گناوه هستند و تنها موضوع مربوط به متولیان امر می شود که برای رفع مشکلات کمکی نمی کنند.»

وی با بیان اینکه شغل اصلی مردم گناوه گبه بافی ست گفت:« درآمد اکثر خانواده ها از کار گبه بافی حاصل می شود اما افرادی که سالهاست این کار را انجام می دهند انتظار دارند در ازای کاری که انجام می دهند تسهیلاتی دریافت کنند و یا امکاناتی در اختیارشان قرار گیرد اما اتحادیه تسهیلاتی ندارد و نمی تواند از پسِ حداقل توقع یک بافنده هم که دریافتِ وام است، بر آید.»

بودجه، به جای آنکه بدست متقاضیانش برسد از راه دیگری هزینه می شود

وی در ادامه به عدم همکاری برخی بانکها اشاره می کند و می گوید:«متأسفانه در این میان بانک ها همکاری نمی کنند و بودجه ای که قرار است جذب شود، به جای آنکه بدست متقاضیانش برسد از راه دیگری هزینه می شود.»

لیراوی مشکل بیمه بافندگان را یکی دیگر از مهمترین موضوعات تلقی می کند و اضافه می کند: «بافنده ای که ۳۰ سال کار کرده توقع دارد در قبال آن مدت زمان کاری، بیمه باشد و از خدماتش در مواقع حساس استفاده کند اما متاسفانه از این موضوع هم بی بهره مانده و در شرایط حساس از خدمات درمانی بطور آزاد استفاده می کند و هزینه های زیادی را متقبل می شود.»

۵۰هزار تومان، حق الزحمه یک ماهِ بافنده

به گفته لیراوی در شرایط مطلوب، حق الزحمه یک بافنده ۵۰هزار تومان می باشد و مشخص نیست این میزان درآمد را باید با چه برنامه ریزی دقیقی به مصرف برساند. به عنوان مثال اگر در ماه سه متر مربع فرش توسط دو نفر بافته می شود هزینه نهایی آن چیزی حدود ۱۰۰ هزار تومان می باشد که باید بین دو بافنده تقسیم شود.

وی ادامه می دهد:«دو سال پیش بود که طرحی در خصوص بیمه بافندگان در مجلس مطرح شد و طی آن مقرر شد که بافندگان بعد از ۵۵ سال بافتن تار و پودهای فرش، باید به حساب تامین اجتماعی پول واریز کنند و بعد از آن هم مشخص نیست که آیا حق بیمه شاملشان شود یا خیر و در برخی موارد کارمندان تامین اجتماعی هم این اجرای این طرح را نامشخص دانستند!؟»

ما را حمایت نکردند....

وی در پایان خطاب به همه هنردوستان می گوید: «فرش یکی از هنرهای اصیل کشور ایران است و شهرستان گناوه در استان بوشهر یکی از بهترین تولیدکنندگان گبه در کشور می باشد ولی متاسفانه بیش از سه سالی می شود که بازار فرش راکد مانده . گبه گناوه حرف اول را در کشور می زند اما رکود بازار فرش، در میزان تولید گبهِ ما هم موثر بوده چرا که ما را حمایت نکردند...»

علی رغم وجود مشکلات متعدد بر سر راه، او از ریاست سازمان بازرگانی تشکر کرد چرا که با برگزاری جشنواره های متعدد فرش، راه را برای بازاریابی و تبلیغات آنها تا حدودی باز گذاشته است و در این راستا از طرف بافندگان هنرمند گناوه خاضعانه حمایت مسئولان استان را طلب کرد.

اگر تا دیروز و یا به گفته این دو نماینده ۳ سال پیش بازار فرش رونق داشت و فرش ایران و گبه گناوه زبانزد خاص و عام بود، حداقل بافندگان هم بهره ای می بردند و خواسته یا ناخواسته بکارشان ادامه می دادند؛ اگر دیروز در طول ماه و در گناوه، ۲۰۰ متر مربع فرش تولید می شد امروز به دلیل مشکلات پیدا و پنهان بافندگان گناوه ای کمتر از ۱۰ متر فرش بافته می شود؛ امروز دستها کمتر تار و پودهای فرش را حس می کند و دیگر از انگشتانِ هنرمند و ریزباف، خبری نیست!

یادمان نرود که:

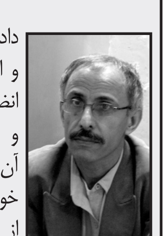
" ببینیم چه می کنیم و به کدام سمت می رویم؟! به ارتقاء می رسیم و یا نابودی ما را فرا می گیرد؟!!!"

در ستایش عدالت(۳)

آثار عدالت

نگاهی به بازتاب عدالت در متون سنتی اخلاق
تقدیم به شادروان قاسم مهدی زاده

خلیل موحد



دادورزی حاکمان نمی تواند پدیده ای ذهنی و انتزاعی باشد، بلکه باید امری خارجی و انضمامی باشد. عدالت ورزی دارای آثار و لوازمی است که بدون عملیاتی شدن آن‌ها،ادعای عدالت ورزی، طبلی توخالی خواهد بود.

از نظر نویسنده‌ی کتاب معراج السّعاده «ادای دین عدل و رعیت پروری و قضای جهانداری و دادگستری» ، وابسته و مشروط به اجرای امور زیر از سوی حاکمان است.

۱ـ همه چیز را وابسته به اراده‌ی حق دانسته و همیشه «سلوک راه درست» را از خدا طلب کرده و همواره به او توکّل نموده و به فضل او توسّل جوید.

۲ـ در مرزهای توانایی‌های خود «شریعت» را پاس دارد؛ زیرا در این صورت بر پایه‌ی «الناس علی دین ملوکهم» هیچ یک از عُمّال حاکمیّت و یا سایر اهالی کشور، مجال انحراف از مقررات را نخواهند یافت.

۳ـ این که حاکم دست خویش را در «ارتکاب ظلم» و تعدّی و جفاکاری برخلق کثیف نسازد، رویکردی فرخنده است؛ ولی کافی نیست. او باید فرصت بیداد و تعرض را از «رعیت و سپاهی و کارکنان و گماشتگان» خود بازستانده و با حکمرانی خوب، بیم و ترس را از ذهن و روان خلق بزداید، بساط آرامش در جامعه بگستراند، پهنه‌ی فرمانروایی خویش را «از خس و خار گزند ظالمان مردم آزار بجاروب معدلت بروبد...»؛ زیرا هر تجاوز و تطاولی که در جغرافیای تحت سیطره‌ی حاکمیّت رخ دهد، به قطع، مسئولیّت آن به دوش حاکمان خواهد بود.

که نالد ز ظالم که در دور تست / که هر جور کو می‌کند جور تست

افزون بر بازداشت ماموران حکومت از شبیخون به حقوق خلق، و تامین امنیت داخلی، حاکمان موظف‌اند از مرزهای کشور در برابر یورش مهاجمان خارجی پاسداری کرده و از تمامیّت ارضی میهن دفاع نمایند.

۴ـ برای انتخاب صاحب منصبانی که قرار است اختیار مردمانی به دست‌شان داد، حاکم نباید به «کفایت و کاردانی» آن‌ها در امور مالی و اداری بسنده کند، بلکه باید تعهد و «انصاف و مروت» آنان را نیز لحاظ کند؛ زیرا سپردن زمام امور مردم به دست ستم کیشان،«خیانت» در امانت خداوند است. از دگر سو، گرچه جور و جفا به دست مدیران و کارگزاران حاکمیّت انجام می شود؛ امّا این بیدادگری ها به عنوان لکه‌ای ننگین در کارنامه‌ی حاکم ثبت خواهد گردید و«غبار بدنامی آن بر صفحات و جنات او خواهد ماند و ادعای مظلومان نیز به او خواهد رسید.»

ریاست به دست کسانی خطاست / که از دستشان دستها برخداست.

سپردن سرنوشت مردمان به دست نادادگران و روان پریشان وجاهلان ومبتلایان به سادیسم (دگر آزاری)، خبطی بزرگ است.

۵ـ گرچه داشتن کاردانی و تخصص، آراستگی به صفاتی مانند انصاف و مروت،پیش شرط واگذاری پست و مقام به افراد است؛ ولی رها کردن مسئولان به حال خود و عدم نظارت و تحقیق و تفحص در چگونگی رفتار آنان با مردم، پذیرفتنی نیست؛ «چه دامن تزویر دراز و در تلبیس و خدعه باز است.» پس باید عناصری مطلع، «خدا ترس» و مجهز به صلابت نفسانی و «خالی از غرض» را مامور ارایه‌ی گزارش از نوع نگاه گماشتگان خود به مردم و شیوه‌ی عملکرد آنان نماید؛ زیرا ممکن است والیان و سایر کارکنان پرنفوذ دولت در پناه ارزانی کردن رشوه به شاکیان و تطمیع مالی ناراضیان، آنان را از شکایت بردن نزد حاکمان بازدارند. طایفه‌ای نیز به رغم نافریفته شدن به امتیازات مالی کارگزاران خاطی حکومت، به علت «ضعف نفس» و بیم و هراس از عوارض و عواقب شکایت کشی از ماموران ستمگر، «زبان در کام خموشی کشیده» و جانب حزم و احتیاط را رعایت می‌کنند تا به احتمال از چوله به چاه نیفتاده، و از گزند انتقام جویی این ناکسان بدسگال مصون مانند.

به همین علّت، حاکمان عملا عدالت ورز و واقعاً علاقه‌مند به حقوق خلق، برای آگاهی از اوضاع کشور، به جای روی آوردن به مقامات رسمی و پیاده نظام های بعضا دروغگو، چاپلوس، دغلکار و هفت خط، باید خبر بران و جاسوسان صادق را مامور ردیابی رفتارها و کارکردهای عمال پایین دستی خود می‌کردند و گاه نیز در لباس ناشناس، از برخی مردمان، از احوال ملک و ملت پرسش می‌نمودند.

نکته آموزنده در رفتار معدود زمامداران کوشنده‌ی عدالت مانند امام علی (ع)، عدم جست وجو، تفحص، تفتیش و تجسس در زندگی مردمان عادی اعم از موافقان و مخالفان برای پرونده سازی، بازداشت، زندانی کردن و اِعمال شکنجه و محروم کردن آنان از حقوق مادی و معنوی‌شان بود. این راه ورسم علی (ع)، هم اکنون نیزدر ساختارهاو نظام های دمکراتیک، آزاد و عادلانه جاری است.

۶ـ«حشمت فرمانفرمائی و شوکت جهانبانی» نباید «مانع از دادرسی بیچارگان» و فریاد خواهی «فریاد خواهان»شود. حاکمان نه فقط نباید از زجر و ناله‌ی ستم دیدگان آزرده خاطر شوند، بلکه موظف به دادخواهی فرودستان هستند حتی اگر دادخواهی آنان به روشی «بی ادبانه» نیز اظهار شده باشد. حاکمان باید به فغان «بی تابانه»ی تهی دستان گوش جان سپرند.

از عدالت نبود دور گرش پرسد حال/ پادشاهی که به همسایه گدایی دارد (حافظ،غزل ۱۲۲)

حاکمان نباید با رفتارهای اقتدارگرایانه،باعث رماندن «بیسر و پایان شکسته حال از درگاه خود» شده و از ورود «گدایان » پریشان روزگار به دم و دستگاه حکومتی خود جلوگیری کند؛ زیرا کسانی که دستمال حکومت بر سر خویش بسته‌اند به حتم از دردسر آن آگاه بوده‌اند. فرمانفرمایانی که پنبه‌ی آخرت در گوش کرده و آن را بر دادخواهی خلق فرو بندند و به داد آنان نرسند، چگونه حقّ دارند باد «بزرگی» بر خلق را درغب انداخته و از آنان خراج و مالیات مطالبه کنند؟!

زمانی مالیات‌ها که محصول «رنج دست» مردمان است برای رهبران «گوارا» است و وقتی او می تواند خود را حکمران جامعه بداند که شکایات مردم را جمع آوری کرده و نامه‌های آنان را بخواند. این رویکرد با شأن حاکم منافاتی ندارد؛ زیرا به رغم این که خدا از همه ی موجودات سراست و کسی را توان هم آوردی با وی نیست، او امّا از رسیدگی به خواست هیچ کس ابا نداشته و دست رد بر سینه‌ی کسی نمی‌گذارد.

ادامه دارد...

دکتر«حسن حسن زاده » متخصص بوشهری و عضو هیات علمی دانشگاه کالگری کانادا:

اگر غفلت کنیم به سرنوشت مسجد سلیمان دچار می شویم



محمدجوادغریبی: دکتر«حبیب الله سعیدی نیا» در مقدمه اثر مانا و فاخر «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی دشتی در دوران قاجار و پهلوی» آورده است: "از جمله مناطق مهم ایران منطقه دشتی است که دارای تاریخ درخشان و سابقه ای دیرین است. گذشته ای که صمیمیت، مهمان نوازی و پاکدلی این قوم را نشان می دهد. این تاریخ سرگذشت مردمی است که برای حفظ دین و میهن در مقابل دشمن با زیربنایی چند هزار ساله از فرهنگ، تمدن و مذهب و انگیزه دینی، حماسه بزرگ را شکل داده اند. تاریخ سرزمینی که اندیشمندان، نویسندگان، علما و ادبای بزرگی را در دامان خود پرورده است."

عضو هیات علمی دانشگاه خلیج فارس در بخشی دیگر از کتاب مزبور آورده است: "از نظر علمی منطقه دشتی در ادوار مختلف تاریخ به خصوص دوران قاجاریه و پهلوی سرآمد تمامی مناطق جنوب بوده است و علما و شعرای بلند پایه ای درآن زندگی می کرده اند به خصوص که بعضی از حکام دشتی خود اهل علم و فضل و ادب بودند چنان که میرزا جعفر خان حقایق نگار خود از برجسته ترین نویسندگان حقیقت طلب عصر ناصری و محمد خان دشتی بزرگ شاعر دشتی خود ادیبی اریب و از نام آوران عصر خود بود و دیوان اشعار ایشان مصداق عینی این مدعاست. علمای ارزشمندی چون شیخ عبدالنبی بحرینی ،حاج سید علینقی دشتی و آخوند ملا حسن گنخکی دشتی که دارای حوزه درس و علم در مناطقی چون بردخون و میانخره و گنخک بودند خود نشانی از تعالی علم در منطقه و محل سکونت آنها می باشد. همچنین حضور شعرایی چون ملاحسن کبگانی، فایز و مفتون بیانگر این حقیقت است که دشتی قافله سالار علم منطقه جنوب و استان فعلی بوشهر بوده است."

همانطور که دکتر«حبیب الله سعیدی نیا» یز اشاره داشتند نگاهی به ادوار مختلف شهرستان دشتی، ز بلندآوازگی این شهرستان در تربیت و پرورش عالمان فرهیخته و دانشمندان فاضل حکایت دارد. با این حال گویا بیشترین وجهه علمی و فرهنگی این شهرستان به گذشته منتسب بوده و به مفاخر سالیان دور دشتی ارجاع داده می شود، اما در عین حال هم اکنون نیز شهرستان دشتی دارای دانشمندانی برجسته ایست که نام بلند آنها فراتر از گستره و جغرافیای کشور و حتی در سطح مجامع علمی بین الملل مطرح است.

دکتر«حسن حسن زاده » از جمله نخبگان موفق و محقق و پژوهشگر شهرستان دشتی است که هم اکنون در هیات علمی دانشگاه کالگری کانادا عضویت دارد.

وی دانش آموخته مهندسی نفت در مقطع کارشناسی از دانشگاه صنعت نفت آبادان، کارشناس ارشد از دانشگاه تهران و دکترا از دانشگاه کالگری کانادا هستند.

دکتر حسن زاده، سابقه عضویت در هیات علمی دانشگاه صنعت نفت اهواز، مدیریت پژوهش و توسعه شرکت ملی نفت، تدریس در دانشگاه صنعتی شریف را در رزومه پرافتخار خود دارد که تا کنون ده ها مقاله را کنفرانس های بین المللی و ژورنال های تخصصی ارائه داده اند و عضو انجمن زمین شناسان نفت آمریکا،مهندسی نفت جهان ،مهندسی شیمی ایران و ...می باشد.

در بیان شاخص ها ی شگرف علمی دکتر حسن زاده همین بس؛ که وی سال گذشته و زمانی که برای ادامه تحصیل و گذراندن دوره فوق دکترا مهندسی نفت به کشور کانادا سفر کردند رسما به عضویت هیات علمی دانشگاه کالگری کانادا در آمدند.

دکتر حسن زاده اهل آبادی کردوان دشتی است و متاسفانه تاکنون آنگونه که شایسته و زیبنده بوده است, شناخته نشده و حتی در شهرستان دشتی نیزغریب می باشد.

البته تورق سوابق درخشان و تشریح دیدگاه های دکتر حسن زاده مستلزم مصاحبه و دیدار با وی بود، از این رو با توجه به بازگشت سالیانه وی از کانادا، گفتگویی با وی داشتم که با هم مرور می کنیم:

– اگر ممکن است شما روایت زندگی دکتر «حسن حسن زاده»را آغاز کنید.

– در روستای کردوان شهرستان دشتی که قدمت طولانی دارد متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدائی و راهنمائی را در زادگاهم یعنی کردوان و دوره دبیرستان را در دبیرستان شهید مطهری خورموج در رشته ریاضی فیزیک پشت سر گذاشتم. پس از احراز گواهی نامه کارشناسی مهندسی شیمی به سال۱۳۶۸یکسال بعد، در سال ۱۳۷۳ درمقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم. همزمان با تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در همان سال وارد مجموعه نفت شدم و در سال۱۳۷۶مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم. بعد از آن، بنابر تعهد شغلی به کنگان رفتم. در سال ۱۳۸۰بود که وزارت نفت آزمون دکترای اعزام (گرایش مهندسی نفت) به خارج کشور (دانشگاه کالگری کانادا) را برگزار کرد و موفق شدم مجوز اعزام به خارج از کشور را کسب نمایم.

– چه تعداد در آزمون اعزام به خارج شرکت داشتند؟و چند نفرپذیرفته شدند؟

– فکر کنم قریب به ۱۱۴نفر در آزمون شرکت کردند و از بین شرکت کنندگان ۵ نفر پذیرفته شدند که من نیز در بین ۵ نفر پذیرفته شده رتبه ۲را کسب کردم.

– فکر می کنیدچه مولفه هایی در موفقیت شما جهت طی مدارج علمی موثر بوده است؟

– لطف خدا و سپس پشتکار.

– جایگاه رشته مهندسی نفت در ایران وکاناداچگونه ارزیابی می کنید؟

– تاکنون هدف اصلی از تدریس رشته مهندسی نفت در دانشگاه های کشور تربیت و پرورش مهندس بوده است که بیشتر نیازهای اجرایی و راه اندازی تاسیسات را برآورده می سازد، ولی کشور به نیروهایی نیاز دارد که بتوانند مسائل سطح بالای نفت را حل کنیم،آنچه در انحصار خارجی ها بوده است، یعنی متخصصانی که بتوانند با برنامه ریزی های دقیق، نیاز های چند سال آینده این صنعت کلیدی را شناسایی کرده و با تعریف پروژه های تحقیقاتی در پی ارائه راهکارهایی در این زمینه باشند.

– فکر می کنید چرا دانشگاه های کشور نتوانسته اند در رشته مهندسی نفت به دنبال حل مسائل حیاتی و بنیادین نفت باشند،علت العلل چیست؟

– مشکل اصلی یا بقول شما علت العلل کمبود هیئات علمی و ضعف منابع انسانی است و راه حل آن هم این است که از دانش آموختگان خارج از کشور استفاده کنند ولی موانعی وجود دارد که استفاده از این ظرفیت را کند نموده است

– چه موانعی؟

– واقعیت امر اینست که سیستم های پژوهشی در کشور بویژه در حوزه نفت عموما معیوب است و شخصا مکانیزم های آن قبول ندارم و نواقص و نقد های زیادی بر آنها وارد است. فارغ التحصیلان دانشگاه های خارج از کشور توقعاتی را دارند که سیاست های دانشگاهی و پژوهشی کشور نمی تواند آنها را محقق سازد. برای مثال در خارج از کشور یک پژوهشگر صرفا دغدغه طرح پژوهشی خود را دارد زیرا که آنها امکانات و بودجه کافی در اختیار وی قرار داده اند و همین باعث می شود تا پژوهشگر تمام وقت به موضوع تحقیقی خود بپردازد. ولی در کشورمان مدیریت پژوهش هنوز متکی به ایده های قدیمی است و بالطبع قادر نیست خواسته های یک پژوهشگر را تامین کند.

– فکر می کنید تدبیری،جهت برون رفت وجود داشته باشد؟

– اتفاقا در مدت زمان که در مدیریت پژوهش و توسعه شرکت ملی نفت بودم مواردی را گوشزد کردیم ولی عملی نشد و تحقق پیدا نکرد.به زعم بنده برای تمامی مشکلات راهکارهایی وجود دارد و در سطح جهان تجربه شده ولی ما توجه نمی کنیم. البته در زمانی که در دانشگاه صنعتی شریف حضور داشتم، چونکه از دانشجویان و هیات علمی ها رجوع می کردند، راهکارهایی را ارائه دادم.

– شیوه دسترسی به منابع اطلاعاتی برای دانشجویان و اساتید در داخل و خارج ازکشور چه تفاوت هایی باهم دارند؟

– دسترسی به اطلاعات در کشور حتی در دانشگاه ها و مراکز تحقیقات جالب نیست. معمولا اطلاعات پراکنده است و بانکهای اطلاعاتی بصورت یکجا و متمرکز وجود ندارد.در حالیکه در کشوری نظیر کانادا بانک اطلاعاتی دانشگاها بصورت جامع و یکپارچه تحت مدیریت موسسه ای مدیریت می شود و همانند دانشگاه های کشور اطلاعات هر دانشگاه مجزا و منفک از دیگر دانشگاه نیست و پراکندگی اطلاعاتی وجود ندارد.

– موج سوم جهانی تحت «انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات» تمام عرصه ها زندگی بشر من جمله آموزش را تحت تاثیر خود قرار داده است و باعث خلق پارادیمی جدید در تمام حوزه ها شده،فکر می کنید چگونه می شود به صورت مجازی و از راه دور در آموزش و تحقیقات مشارکت نمود؟

– امروزه این شیوه در اشتراک گزاری اطلاعات در جهان بسیار متداول شده است. ولی ما در کشور هنوز به آن مرحله نرسیده ایم که بتوانیم در این حوزه خوب نقش آفرینی داشته باشیم. به همین دلیل باید بیشتر تمرین کنیم این در حالیست که در کشورهای توسعه یافته گروه های علمی در دانشگاه مختلف جهان با همدیگر همکاری می کنند و این مسئله ای است در دنیای امروز مرسوم است و گروه های مختلف در قاره های متفاوت با استفاده از این فناوری ارتباط دارند و به تبادل یافته های علمی می پردازند.

– مشکل کجاست؟

– علاوه بر فقدان برخی زیرساخت ها در ایجاد ارتباط، این مسئله ریشه دربرخی مسایل جامعه شناختی نیز دارد، زمانیکه کیفیت روابط شکل گرفته بین افراد نگاه می کنیم، در کشورمان کارهای تیمی معمولا ناپایدار است و عموما به سختی ایجاد می شود، اما در غرب همانطور که گفتم افراد از قاره های گوناگون با هم همکاری دارند و آنقدر هماهنگ هستند گویی که همگی اهل حتی یک شهرهستند. بنابراین برای توسعه اینگونه فعالیت های علمی به زمان و تمرین بیشتری نیاز داریم، هرچند افرادی هستند با این روش کار می کنند.

– ابزارهای لازم جهت بهره گیری از این شیوه علمی چیست؟

– مهمترین ابزار آن اینترنت است وآنچه در حوزه ارتباط زمینه را فراهم می سازد نظیر ویدئو کنفراس است ویا چت های صوتی و تصویری.

– فکر می کنید اینگونه ارتباط های مجازی به تنهایی می تواند نیاز پژوهشی محققان را مرتفع سازد؟

– قطعا کانکشن های مجازی به تنهایی نمی تواند اهداف پژوهش را میسر و محقق سازد. بنابراین در کنار آن،برگزاری کارگاه های آموزشی و حداقل چندین سمینار طی سال بصورت حضوری ضروری می باشد.

– آیا شما مایل به همکاری در زمینه های علمی با استان از طریق تکنولوژی راه دور هستید؟

– با دکتر اذین در حال تمرین هستیم تا بتوانیم نقش را در توسعه استان ایفا کنیم، فعلا در مرحله تمرین هستیم ولی مشکلاتی وجوددارد که امیدوارم مرتفع شود.

– چه نوع مشکلاتی؟

– بیشتر به ارتباطات و نوع آن بر می گردد. جهت برقراری اینگونه ارتباطات به ابزاری نظیر اینترنت و ویدئوکنفراس ومواردی از این دست نیازمندیم که هنوز با استانداردهای روز جهان فاصله داریم. در حالیکه این مشکلات در کشورهای پیشرفته حل شده و همانطور گفتم تیم ها در قاره های مختلف با هم ارتباط دارند و هرچندگاهی نیز دور هم جمع می شوند.

ضمنا در کنار تعاملات مجازی باید سمینارهای حضوری و کارگاه هایی نیز بعنوان مکمل وجود داشته وگرنه صرف ارتباطات مجازی نمی توان کار خاصی را انجام داد.

– با توجه به اینکه تجربه تدریس در دانشگاه صنعتی شریف را در روزمه خود دارید و هم اکنون نیز در کانادا مشغول به تدریس هستید؛ چه تفاوتی بین دانشجویان ایرانی و دیگر کشور وجود دارد؟

– در ایران دانشجویان فوق العاده با استعدادی داریم فوق العاده. تاکید میکنم واقعا از نظر شاخص استعداد منحصر به فرد هستند. حتی در دانشگاه کالگری نیز دانشجویانی که از ایران می آیند در قیاس با دانشجویان دیگر کشورها کاملا متمایزند. معمولا پرتلاش هستند بصورت انفرادی خیلی خوب کار میکنند ولی در تیم ضعیف هستند و این مشکل اساسا در کشور وجود دارد.

– چه شاخص هاو پارامترهایی در پذیرش دانشجو در دانشگاه گالگری و یا سایر دانشگاه های برتر کانادا مطرح است؟

– مولفه های چون نمره تافل، تعداد مقالات چاپ شده چه به لحظ کمی و کیفی و اینکه دانش آموخته چه دانشگاهی باشید بسیار موثر است، البته از ۳ توصیه استاد نیز نباید غافل شد.

– آیا کسانی هم از استان می شناسید در مقطع دکترا در حوزه نفت و گاز در اقصی نقاط جهان مشغول به تحصیل یا تدریس باشند؟ و این موضوع را چگونه تحلیل می کنید؟

– تا آنجه که حضور ذهن دارم آقای رضا حیدری در کانادا و آقای وراوی در ایالات متحده مشغول به تحصیل می باشند که هر دو اتفاقا اهل شهرستان دشتی هستند و آقای زنده بودی که اهل تنگستان است، وی نیز در مقطع دکترا مشغول به تحصیل می باشد.

ولی در پاسخ به بخش دوم سئوال شما معتقدم فارغ التحصیلان مهندسی نفت در استان نسبت به جمعیت استان رقم چشمگیری است و در مقایسه با دیگر نقاط کشور قابل توجه و البته در خور تحسین است. این پتانسیل،فرصت خوبی برای استان تلقی می شود؛ اگر چه در استان نیستند ولی می توانند در توسعه استان بالاخص مراکز دانشگاهی نقش آفرینی کنند و علاوه بر این انگیزه ای برای نیروهایی جوان و دانشجویان جوان باشد و باعث تقویت خود باوری آنها هستند.

– آینده و چشم انداز رشته های نفت و گاز را با توجه به تجدیدناپذیری آن بویژه رشته های تخصص نظیر استخرا و اکتشاف را چطور رصد می کنید؟

– امروزه مرز بین علوم بسیار کم رنگ شده است و تحصیل در یک حوزه تخصصی به این معنا نیست که شاخه های مرتبط را هم پوشانی نکند بنابراین به توجه به تغییرات عظیم و خارق العاده ای که در شیو ها و متون تدریسی بوجود آمده است عموما این موضوع منتفی شده است.

– نظرتان درباره چشم انداز علم و پژوهش استان چیست؟

– فعالیت های خوبی در استان شکل گرفته که امید بخش است. راه اندازی پارک علمی فناوری استان به مدیریت دکترمصلح اساس توسعه محسوب می شود زیرا این چنین مراکز می توانند در توسعه علمی منطقه موثر باشه و خلاء ارتباط بین مراکز دانشگاهی را با بخش صنعت پر کنند. توسعه رشته های مرتبط با نفت گاز در مقطع کارشناسی در دانشگاه خلیج فارس نیز می تواند نقش مهمی را در اعتلای استان داشته باشد که دکتر اذین نیز در این راه واقعا خستگی ناپذیر ظاهر شده اند.

– نقش پارس جنوبی در توسعه استان را چگونه ارزیابی می کنید؟

– به طور کلی صنعت نفت خیلی مستقل عمل می کند. فکر کنم استان ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. به نظر من با توجه به حجم سرمایه گذاری انجام شده در استان توسعه خاصی ایجاد نشده است. از لحاظ تاثیر سرمایه گذاری روی معیشت، اشتغال و ارتقای شاخص های سلامت و رفاه ساکنین استان چشمگیر نیست. البته وضعیت راهها کمی بهتر شده، حداقل بوشهر تا خورموج، که ناچیز است.

– فکر می کنید نوک پیکان انتقاد متوجه کیست؟ خودمان،یا نفتی ها؟

– در این که وزارت نفت کار خودش را انجام میدهد شکی نیست، شاید مستقل عمل می کنند. ممکن است در مجلس مصوبات و راهکاریهایی ارائه شود و در سطح استانداریها صحبت هایی مطرح کنند ولی نفت منافع و اهداف خودش را دنبال می کند واگر فرصتی هم شد بصورت فرع نگاه می کند نه اصل. در بحث توسعه پایداراولویت اول اهداف خودش را می بیند و سپس مباحث توسعه پایدار, نمونه هایش زیاد است. البته خودمان نیز باید پیگیر باشیم.

– آیا می توانید مستدل تر بحث کنید و مصداقی را ذکر نمائید؟

– بله؛ شما اکنون مسجد سلیمان را نگاه کنید مخروبه و ویرانه ای بیش نیست در قیاس با نقشی که مسجد سلیمان در نفت ایفا کرده است. لذا اگر غافل بشیم به سرنوشت انها دچار میشویم. در گذشته آبادان همانند عسلویه بود طوریکه از همین دشتی جهت اشتغال به آنجا مهاجرت می کردند. همانگونه که الان از اقصی نقاط کشور جهت اشتغال به استان ما می آیند.متاسفانه نفت رد پای خوبی را از خود به جا نگذاشته است اگر چه باید تمیهداتی اتخاذ شود که این اتفاق نیفتد.

– لطفا قدری هم در خصوص موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی کالگری توضیح دهید.

– کانادا کشوری وسیع است و ایالات البرتا که در غرب کانادا واقع شده است پایتخت نفتی کانادا و به عبارتی خوزستان کاناداست. از نظر آب وهوائی زمستانهای بسیار سردی را دارد ولی تابستان آن خیلی دلپذیری است گرچه کوتاه است.

کالگری شهری صنعتی است وبا اینکه مرکز ایالات نیست ولی پرجمعیت ترین شهر ایالات است. عظیم ترین پروژ های نفت سنگین در جهان چه به لحاظ تولید و چه از نظر تکنولوژی در آنجا شروع شده است و پایتخت نفت سنگین دنیا قلمداد می گردد.

– اسامی و نام های ذیل چه واژه یا جمله ای را در ذهن شما متبادر می سازد؟

دکتر هلالی زاده: با استعداد
دکتر آذین: سخت کوش
دکتر مصلح: خوش فکر
پرفسور مشفقیان: استاد همه نفتی ها
نفت: ابزارتوسعه
دانشگاه کالگری: محلی برای پژوهش
دانشگاه صنعتی شریف: محل تجمع استعدادها
شهرستان دشتی: مهد ادیبان
کردوان: محل تولد من
کلام پایانی: آرزوی موفقیت برای همه دوستان و هم وطنان عزیز.

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت (۳)

حرکت بر اساس و روش حق

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



پیامبر با هدفی مقدس و حق که همان دعوت به«توحید» و یکتاپرستی،«عدالت» و اعتدال،«اخلاق» و فضایل انسانی بود، کار خویش را آغاز نمود و برای رسیدن به این اهداف بلند، از راهی جز حق و راستی بهره نجست و از هر وسیله ای استفاده نکرد.

قرآن:«و ما کنت متخذ المضلین عضداً» و من هرگز گمراه کنندگان را یار و مددکار نگرفتم. (سوره کهف۵۱.)

پیامبر(ص)هر سخنی و اقدام و کاری که می کرد درست، حق و وحی بوده است. او هرگز گمراه و کجراه نبوده و به هوس و هوای نفس سخن نمی گفته است که او«و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» (سوره نجم۴).

او حق را با حق بر پا ساخت نه حق را با باطل. لذا فرمود:«لا استنصر بمشرک» من هرگز از مشرکان یاری نمی جویم. (المحجه البیضاء/ ج۴/ ص۱۲۲).

دعوت پیامبر بر اساس«حکمت»پند نیکو و مجادله وگفتگوی شایسته بوده است. قرآن:«ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه وجادلهم بالتی هی احسن» (سوره نحل۱۲۵).

مردم را با حکمت (گفتار درست و استوار) و پند نیکو به راه پروردگارت بخوان و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله و گفتگو کن.

پیامبر در تبلیغ دین و استحکام آن و پیروزی خود بر دشمنان از هر وسیله و روشی استفاده نمی کند او نه حیله و غدر بکار می برد نه دروغ و وعده ی کاذب می دهد. و نه از جهالت مردم حتی به نفع دین استفاده می کند.

او برای رسیدن به هدف و پیروزی حتی بر خلاف حقوق انسانی رفتار نمی کند و آب را بر دشمن خود نمی بندد. چنانکه علی(ع) نیز با سپاه معاویه همچون پیامبر(ص)رفتار می کند و می فرماید: «من مانند معاویه رفتار نمی کنم چون آب یک چیزی است که خدا آن را برای کافر و مسلمان قرار داده، این کار دور از شهامت و فتوت و مردانگی است.» (سیری در سیره نبوی/ استاد مطهری/ ص۱۴۱).

بعد از پیامبر(ص) که «حکومت اموی» بجای «سنت نبوی» نشست کار بر عکس شد، برای رسیدن به هدف از هر وسیله ای استفاده کردند و گفتند: هدف وسیله را توجیه می کند: «الغایات تبرر المبادی» اینجا بود که احادیث دروغ به دست عده ای به قصد قربت و تبلیغ دین ساخته شد. و راه تهمت زدن به مخالفین توجیه دینی و به قصد قربت و ثواب انجام گرفت.

پیامبر(ص)هرگز از حق تجاوز نمی کرد و کوتاهی نمی نمود:«لا یقصرعن الحق و لا یجوز الدین» (انساب الاشراف/ ج۱/ ص۳۸۸).

قرآن:«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجر منکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی» ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا برپا بوده گواهان به عدل و داد باشید و دشمنی گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به پرهیزگاری نزدیک تر است و از خدا پروا کنید که خدا بر آنچه می کنید آگاه است. (سوره مائده۸).

مریخ و آدم فضایی!

عبدالرضا شهبازی

در سال ۱۸۷۷، اخترشناس ایتالیایی، جیوانی چیاپارلی (۱۹۱۰ – ۱۸۳۵) برش های صاف و مستقیمی را در سطح مریخ مشاهده کرد که آنها را به ایتالیایی canali نامید. این واژه اشتباهاً بصورت canals به انگلیسی ترجمه شد در صورتی که ترجمه درست آن channels بود. تفاوت این دو واژه در این است که canals را انسانها می سازند (manmade)، مانند کانال سوئز، ولی channels حاصل دست طبیعت است مانند کانال مانش. از همین رو بود که فکر حیات هوشمند در مریخ بر سر زبانها افتاد. وجود کانالهایی بر سطح مریخ سخت مورد توجه دانشمندان و داستان نویسان قرار گرفت. پرسیوال لوئل (Percival Lowell) آن را مبنای " مطالعات علمی " خود قرار داد و در اثر خود موسوم به " مریخ و کانالهای آن" (۱۹۰۸) به آن پرداخت.

ایچ جی ولز (H.G.Wells) با الهام از وجود کانالهایی بر سطح مریخ داستان قوی و تاثیر گذارش موسوم به " جنگ دنیاها " (War of the Worlds) را به سال ۱۹۰۸ به رشته تحریر درآورد. در سال ۱۹۳۸ در نیوجرسی آمریکا نمایشی رادیویی بر اساس کتاب " جنگ دنیاها " از رادیو پخش شد که به سبب اجرای خوب و جدی نمای آن مردم وحشت زده نیو جرسی را که براستی فکر می کردند زمین مورد هجوم مریخی ها قرار گرفته است به خیابانها کشاند. از زمان انتشار داستان مذکور داستانها و فیلمهای علمی تخیلی بسیاری بر اساس فرض وجود حیات هوشمند در مریخ ساخته شده است. یکی از این فیلم ها که در آغاز دهه ی شصت ساخته شد فیلم مشهور "سیاره سرخرنگ خشمگین" (Red Planet The Angry) نام داشت. تنها در سال ۱۹۶۵ و پس از ارسال سفینه ی فضایی مارینر ۴ توسط آمریکا به مریخ و ارسال عکسهای گرفته شده در فاصله کم از سطح مریخ، عقیده وجود کانالهایی ساخته شده بر سطح مریخ از اعتبار افتاد.فرهنگهای لغت انگلیسی به فارسی تقریباً تماماً از ذکر این اختلاف جدی در معنای این دو کلمه غفلت ورزیده اند. معادلهای کانال، آبراه، تنگه، بغاز، و.. قسمتی از معادلهای پیشنهادی فرهنگهای انگلیسی به فارسی است. در ترجمه این دو کلمه، بعلت نبود معادلی که این تفاوت را نشان دهد، می توان از معادل گسترده استفاده کرد. البته این درصورتی است که این تفاوت تاثیری جدی بر روند داستان یا فیلم داشته باشد.

نسیم جنوب ۴
ادب وهنر
شماره ۵۶۵ یک شنبه ۱۹ مهر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

نقش واژه در شعر

محمد حسن آرش نیا
دبیر دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



با اندک آشنائی از ساختار بیانی شعر به سادگی پیداست که «واژه» اصلی ترین عنصر از عناصر سازنده شعر است و بمثابه سنگ و آجر است برای بنای یک ساختمان. البته نقش «واژه » در شعر در همین تعریف مختصر محدود نمی شود.

نخست باید دید تفاوت «واژه» ای که در شعر آورده می شود با «واژه» ای که در نثر و محاوره بکار میرود چیست؟

«کلمات» در زبان روزمره طوری بکار میروند که اعتیادی و مرده اند و به هیچ روی توجه ما را جلب نمی کنند، ولی در شعر ای بسا با مختصر پس و پیش شدنی این مردگان یعنی «کلمات» زندگی می یابند و یک « کلمه» که در مرکز مصراع قرار می گیرد, سبب زندگی تمام « کلمات» دیگر مصراع می شود.

تفاوت شعر و ناشعر نیز در طرز بکار گیری «کلمات» صورت می پذیرد، زیرا تمایز و تشخیص بخشیدن به «کلمات» فقط در شعر معلوم می شود و اگر در غیر شعر قرار گیرند فقط معنای قاموسی و عادی و روزمره خواهند داشت. اما شعر یکی از عواملی است که «کلمه» در آن جان می گیرد و دارای کاربردهای متفاوت می شود.

در رابطه به خوب یا بد بودن «واژه» در شعر، الیوت معتقد است که: «واژه» خوب و بد در شعر وجود ندارد، این جای «واژه ها» است که می تواند خوب یا بد باشد. یعنی در ترکیب و نسج یا نظام شعر است که «واژه ها» خود را نازیبا نشان می دهند وگرنه همان الفاظ نازیبا اگر بجای خود نشسته باشند در نظامی شایسته شعر، زیباترین جلوه ها را خواهند داشت.

بعضی از زبانشناسان بر این باور هستند که در آغاز اصواتی آهنگ دار بوده است ولی معنائی نداشته بعد انسان کوشیده است که جای آنها را با «کلمات» مفهوم و دارای معنی پر کند. شلی شاعر انگلیسی قرن هیجده برای بیان این نکته که: (در جوانی عالم جمیع انواع سخن به یک مفهوم شعر بود) این توضیح را می آورد که: « زبان» بشر اولیه بضرورت صورت مجازی داشت بعضی بر روابطی که قبلاً بین اشیاء ادراک نشده بود، دلالت می کرد سپس این ادراک حالت استمرار بخود گرفت تا جایی که با گذشت زمان «کلمات» معرف آن چیزها، نمودار قسمتها یا طبقاتی از افکار شد و صور افکار تکامل یافته و آنگاه اگر شاعران جدیدی ظهور نمی کردند تا این روابط را که چنین دستخوش اضطراب شده بود از نو بیافرینند زبان در قبال هدفهای عالی تر مخاطب انسان ها مرده و ناتوان می بود.

شعر «واژه ها» را در مقایسه با نثر بصورتی دیگر ترکیب می کند زیرا در جستجوی چیزی دیگر است که با زبان نثر میتوان آن رابیان کرد.

در پاسخ این سئوال که: "چرا شاعر این « کلمات» را به کار می برد نه «کلماتی» دیگر را؟" باید گفت: شاعر «کلمات» را به آن منظور بکار نمی برد که نمودار رشته ای از افکاری است فی النفسه بیان آنها مورد توجه است. هرگز این مهم نیست که شعر متضمن چیست، بلکه شعر خود بذاته اهمیت دارد.

«کلمات» یک شعر همین کلمات ساده زبان هستند که در اثر نوع گزینش و پسند شاعر و حالت ترکیبی آنها با یکدیگر آنقدر برجستگی و تشخیص پیدا می کند که خواننده تصور می کند از سطح معمول کلمات زبان بالاترند.

شیلر دراین مورد می نویسد: «زبان همه چیز را در قالب عقل ارائه می کند لیکن شاعر باید همه چیز را در قالب خیال درآورد. شعر بسوی خیال پردازی می گراید و زبان فقط مفاهیم را فراهم می آورد یعنی «کلمه» ماهیت حسی و فردی شیء را به جای اینکه نمودار سازد از آن می گیرد و در عوض از خود خاصیتی بر آن تحمیل می کند که عبارتست از عمومیتی که برای شیء اصلی ناآشناست و بنابراین شیء یا آزادانه مجسم نمی شود یا ابداً تجسم نمی یابد بلکه فقط توصیف می شود.»

در مورد صدای عاطفی کلمات در شعر، شاید حافظ اولین شاعر پارسی گوئی باشد که در ادبیات کلاسیک ما به «صدای عاطفی کلمات» پی برده و از آن در نظام بخشیدن آهنگین مفاهیم در شعر خود استفاده نموده است.

نقش واژه ها در شعر از نمای دیگر به این گونه است که برخی از زبان شناسان شعر را به شرح زیر به دو گروه تقسیم کرده اند: ۱- گروه موسیقیائی: این گروه مجموعه عواملی را از زبان روزمره با اعتبار بخشیدن به آهنگ و توازن امتیاز می بخشند. مانند وزن، قافیه، ردیف و هم آهنگی.

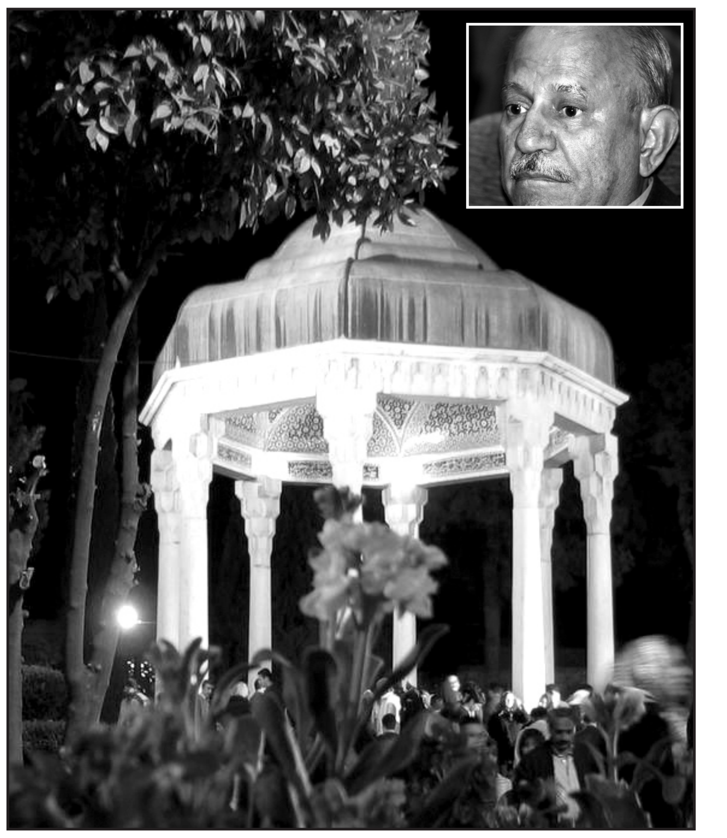
۲- گروه زبانشناسیک: این گروه عواملی را در بر می گیرد که به اعتبار تمایز نقش کلمات در نظام جمله ها بیرون از خصوصیات موسیقیایی آنها میتواند موجب تمایز شوند. این عوامل عبارتند از: استعاره، مجاز، حسن آمیزی، کنایه و باستانگرانی واژگان.

دکتر شفیعی کدکنی نیز در رابطه با نقش کلمه در شعرهای منثور شاملو می نویسد: «نخستین عامل توفیق او (شاعر) در سرودن شعر منثور علاوه بر استعداد برجسته ای که در قلمرو شعر بطور عمومی دارد در توجهی است که به عنصر زبان و کشف ابعاد نو در زنجیره گفتار و ساحت های «کلمه» دارد. او دریافته است که هر کلمه در نظام سخن می تواند انواع حالات را در خواننده برانگیزد و دانسته است که کلمات در زنجیره عادی و طبیعی شان یا در مسیر منطقی زبان قرار دارند- که از قلمرو شعر بیرون است- یا در مسیر شاعرانه قدیمی که دستفرسوده ادبیات نو و کهنه است. او برای رسیدن به ساحت های نو در قلمرو«کلمات» ، نُرم زبان را می شکند این شکستن در دو جانب انجام می شود یکی انتخاب واحدهای بی شمار «کلمه» که بتناسب نیاز روحی هر کدام را بجای خود احضار یا در کنار هم قرار نمی دهد و از این رهگذر تصاویری که بوجود می آیند در معیارهای عادی شعر حتی شعر جدید غالباً در نگاه نخستین غریب می نماید.»

خلوت حافظ و حافظ خلوت گزین

به مناسبت ۲۰ مهر ماه، روز بزرگداشت حافظ

دکتر سید جعفر حمیدی



خوش است خلوت اگر یار، یار من باشد
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

دو واژه متضاد در کسوت صنعت طباق در این بیت مطلع غزلی از حافظ قابل تامل است: یکی خلوت و دیگری انجمن. خلوت جای پنهان است، مکانی امن، فارغ از ترس و دغدغه های واهمه آور و نهان و نهفته از دید غیر، خلوت جای خالی است، جایی که یک انسان عاشق یا دو انسان شیفته می توانند در آن لحظات به ذکر، راز و نیاز یا گفتگو بپردازند. پیدا است که این خلوت، پدید نمی آید مگر با کوچ یا نفی اغیار:

خلوت دل نیست جای صحبت اغیار
دیو چو بیرون رود، فرشته درآید

غیر کیست؟ آنکه میان عاشق و معشوق، عالم و معلوم، عابد و معبود، جدایی می افکند غیر با بیگانه تفاوت دارد، بیگانه حسود نیست! اما غیرحسود است، بیگانه بخیل، تنگ چشم و تنگ نظر نیست اما غیر این صفات را دارد. بیگانه قصد براندازی یا نابودی عاشق ندارد لکن غیر دارد. وسوسه های غیر، جدایی افکن است و ملال آور، این است که اگر زمانی دل جای صحبت اغیار شود، فرشته رحمت جای خود را به دیو زحمت و نقمت می دهد و اصولاً عشق را با دیو کاری نیست و اگر باشد آنگاه عشق نیست. عشق، دل صافی می خواهد و عزمی راسخ و استوار

عشق کار نازکان نرم نیست
عشق کار پهلوان است ای پسر

و چون دل نهان خانه اسرار است می تواند نهانگاه عشق نیز باشد. چه بسیاردل سپردگانی که سال ها با عشق پنهان خود می زیستند و کسی از مخفی گاه راز آنان خبر دار نمی شود. حال آنان که عشقشان بر سر بازار، علم می شود و در زبان خلایق می افتد کسانی هستند که سرزنش رسوایی را به جان می خرند و پای از میدان عشق بیرون نمی گذارند و چون ایشان در ادب فارسی و عرب بسیار داشته ایم همانند مجنون و وامق و فرهاد و رامین و خسرو و دیگر عاشقان. واژه دیگری که در بیت آغازین جلوه گری دارد واژه «انجمن» است که معانی بسیاردارد، گروه، جمعیت، جمع، آشکارایی، همگانی و به هر حال در برابر خلوت است.

دو یار زیرک و از باده کهن دو منی
فراغتی و کتابی و گوشه چمنی
من این مقام به دنیا و آخرت ندهم
اگر چه در پی ام افتند هر دم انجمنی

پس انجمن می تواند به دنبال یا در پی کسی هم بیفتد و حتی رازها را بر ملا کند. انجمن محل حضور خودی و بیگانه است با اندیشه های متفاوت. انجمن محل راز داری، راز پنهان و عشقبازی نیست. در آنجا همه چیز آشکار است. انجمن جمع است و شمعی، چراغی، فانوسی آن را روشن می کند این شمع یا چراغ روشنایی دهنده جمع است نه فرد. نور آن در مجلس پخش می شود و به همه می رسد، بنابراین، فردی خاص از جمع حاضرنمی تواند به تنهایی دارنده یا بهره مند از آن باشد زیرا که جمع از آن بهره مند است.

حافظ می خواهد که یار، فقط یار او باشد نه اینکه او از فراق بسوزد و یار محفل و انجمن دیگری را از نور وجود خویش روشن سازد. با این حال ما در دو بیت حافظ از دو غزل، هم خلوت گزیدن او را درک می کنیم و هم از خلوت به درآمدن او را، هر چند که این مطلب نفی خلوت نشینی او نمی کند. در جایی گفته است:

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است
چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است
جانا به حاجتی که تو را هست با خدای
کاخر دمی بپرس که ما را چه حاجت است
ارباب حاجتیم و زبان سئوال نیست
در حضرت کریم، تمنا چه حاجت است

حافظ در این غزل، کوی دوست را برصحرا و تفرج ترجیح می دهد و به خلوت خود می بالد. گفتنی است که در ادبیات زیرین مطلع، اندیشه های اجتماعی خویش را نیز با استادی و مهارت بیان داشته چنانکه چنین نمودی در بیشتر غزل هایش آشکار است. در جایی دیگر حافظ خلوت خود را رها می کند و قدم در میخانه می گذارد، پیمان را از سر می اندازد و بر سر پیمانه می شود.

حافظ خلوت نشین، دوش به میخانه شد
از سر پیمان گذشت، بر سرپیمانه شد

چگونه است که حافظ که خلوت گزیده و دامن از صحبت دیگران برچیده و گوشه ای خزیده، ناگهان پیمان خود را می شکند و به پیمانه نظر می دوزد. آیا میخانه جای اغیار نیست. آیا عصمت و تقوای خلوت نشینی، در میخانه از پرده برون نمی افتد؟ این سئوالاتی است که پاسخ هایی نیز دارند. طبیعی است که میخانه ای که حافظ به سوی آن می رود با سایر میخانه ها فرق دارد. میخانه های دیگر می توانند از اغیار و ابواش و گدایان قلاش هم پذیرایی کنند آنجا خلوتی نیست جای معاشرتی نیست، سرمستان، عربده هم سر می دهند پرخاش و دشنام و خصلت های دژاکام هم هست. اما میخانه حافظ همان است که از پای خم، یک سر به حوض کوثر می افتند.

بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خمت یک سر به حوض کوثر اندازیم

حافظ از کسانی می گریزد و به میخانه روی می آورد که

یکی از عقل می لافد، یکی طامات می بافد
بیا کاین داوری ها را به پیش داور اندازیم

رازهای نهان:

راز، دانستنی نیک یا بد است که در نهانخانه دل و یا در ضمیر خفته انسان نهفته است و کس را دسترس بدان ها نیست مگر اینکه داننده و دارنده راز، به گونه ای آن راز یا رازها را آشکار نماید.

حافظ ضمن اینکه از نهانخانه خلوت خود پای بیرون می گذارد و به میخانه روی می آورد بسیاری از اغلب ناروای پنهانی هم عصران خویش را هم برملا می سازد در این صورت او از چهره آلود و ریاکار ناسزایان عصرخود پرده برمی دارد وناروایان را رسوا می سازد

صوفی بیا که خرقه سالوس برکشیم
وین نقش زرق را خط بطلان به سرکشیم
نذر و فتوح صومعه در وجه می نهیم
دلق ریا به آب خرابات برکشیم
فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند
غلمان زغرفه، حور زجنت به در کشیم

راز نهان حافظ:

در عصری که در خانه تزویر و ریا گشوده اند و مبارز الدین محمد سرمست فتوحات خویش تکیه براریکه سلطنت زده و مجرمان با گناه یا متهمان بی گناه را بین الصلاتین به دست مبارک! خفه می فرماید و به بهشت می فرستد، حافظ ناچار بوده است در گوشه خلوت خود بخزد، یا رازها و دردها را در دل نگه دارد و یا از همان پنهانگاه خویش حرف هایش را در لباس شعر به خارج از خلوت روان سازد. شیراز عصر حافظ، مثل شیراز عصر سعدی نبوده که به دلیل آرامش ونعمت امنیت و آسایشی که در سایه اتابکان پدید آمده بود، شاعران و عارفان دسته دسته بدین شهر روی آوردند در امن و آسایش به تفکر وعبادت و ذکر و وعظ بپردازند. حافظ روزگار مبارزالدین محمد را مثل یک تابلو بسیار زیبای کلاسیک ترسیم نموده، رنگ آمیزی کرده و در معرض دید عموم قرار داده است. ایام فتنه انگیز، زمانه خونریز، روزگار ورع و پرهیز، محتسب تیز، صاف دردی آمیز همه اینها از خصوصیات دوازده سال سلطنت جائرانه محتسب، مبارزالدین است. پس باید سپهر برشده همچون غربالی خون افشان باشد که ریزه های آن سرکسری و تاج پرویز باشد.

مجوی عیش خوش از دور واژگون سپهر
که صاف این سرخم جمله دُردی آمیز است
سپهر برشده پرویزنی است خون افشان
که ریزه اش سر کسری و تاج پرویز است.

حافظ، خلوت را برای چه می خواهد؟ و چرا خلوتی خوش است که یار، یار او باشد و از اغیار و اضداد خبری نباشد. مسلم است که گریز حافظ به خلوت، دوری و رهایی از تنگ چشمان و بخل ورزان زمانه است. او با غروری وصف ناشدنی مناعت نفس و متانت خرد را به آدمی می آموزد و می خواهد ثابت کند که مقام و مال و منال دنیوی زود گذر و ناپایدار است و گاه گاه دست اهریمن دروند در آن اثر دارد

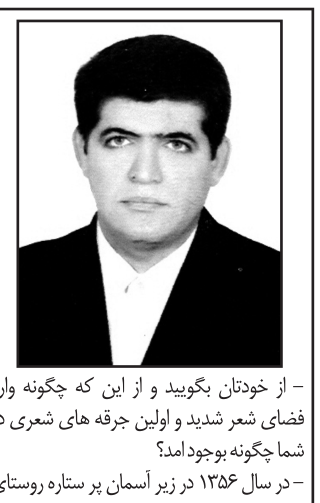
من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد
بیان شوق چه حاجت که حال آتش دل
توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد

گفته اند: سخن نشان دهنده درون شادمان یا دردناک انسان است. سخن، هم می تواند رازها را برملا سازد و هم با زبانی مبهم اسرار پنهان دارد. آیا در زمانه خونریزی همچون زمانه حافظ، نهان داشتن اسرار، وسیله ای برای حفظ سلامت نبوده است. از سوی دیگر تاریخ نشان می دهد که در همه زمان ها، دارندگان فکر و اندیشه، از دستبرد خنجر خونریز مصون نبوده اند زیرا که خامان بی تجربه و بی تدبیر زمام کارها را در دست داشته اند. حافظ برای رهایی یا دوری از تیغ بی دریغ نااهلان و خواسته های فتنه انگیز ناکسان، ناچار به خلوت گزیدن و در گوشه ای خزیدن بوده است، رسم عامی که در همه زمان ها وجود داشته و خلاص به گوشه عزلت و انزوای خود راه جسته اند زیرا که:

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس

مصاحبه با حمید زارعی (شکیبا) : شاعر جوان شهرستان دشتی :

در سرزمین فردوسی، چراغ شعر نباید خاموش شود



– از خودتان بگویید و از این که چگونه وارد فضای شعر شدید و اولین جرقه های شعری در شما چگونه بوجود امد؟

– در سال ۱۳۵۶ در زیر آسمان پر ستاره روستای درازی از توابع شهرستان دشتی چشم گشودم. روستایی که زادگاه شیخ علی عاشوری (معکوس) اولین شاعر محلی سرای بوشهر که جد ما هم می شود و مرشد دشتی، سید حیدر سجادی، شریف دشتی، آیت الله سید غلامحسین سجادی و بزرگان دیگری بوده است. در کلاس سوم راهنمایی ناخواسته در درس فارسی و دستور طبعم را آزمودم. اولین بیت شعرم هم برای این روستا بود با این مطلع : درازی قبله روح وروان است/ درازی پایگاه عالمان است. پس از این یکی از بستگان که طبع شعر داشت مشوق و مربی من بود ولی به طور جدی در حدود سال های ۱۳۷۳ با حضور در انجمن ادبی بوشهر فعالیت شعریم را آغاز کردم.

– تاثیرگذاران بر شعر شما چه کسانی هستند؟

– اندک پیشرفتی که در شعر کسب کردم مدیون حضور در جلسات ادبی بوشهر وراهنمایی های شاعران بزرگواری چون اکبر بادمهر ، علی هوشمند ، رضا معتمد و محمد هاشمی فرد هستم

– خواستم نظر شما را درباره وضعیت کنونی شعر در بوشهر جویا شوم؟

– شعر امروزبوشهرشعری نسبتا موفق است که همگام با جریانات معاصر ادبی کشور پیش می رود. شعری صمیمی که گاهی تحت تاثیر محیط نیز قرار می گیرد. بوشهر شاعران بزرگی به این اب وخاک هدیه کرده است که منوچهر آتشی گل سرسبد آن است و در شعر انقلاب هم شاعران شاخصی دارد. شعر بوشهر گاهی از فقر اندیشه رنج می بردواین به نظر من معضلی است که گریبانگیر شعر معاصر کشور نیز می باشد و منحصر به بوشهر نیست.

– به نظر شما آیا شعر باید پیام خاصی داشته باشد؟

– اگر پیش از این که شعری بنویسیم به پیام فکر کنیم شعری کوششی می شود و اگر دارای پیام هم باشد شعری قوی نحواهد بود. من معتقد نیستم که در این زمان شاعر نقش پیامبر را باید ایفا کند اما این ادبیات غنی که به ما ارث رسیده و این مثل و بیت هایی که ضرب المثل شده حاصل ریختن خون ها، جان فشانی ها ، قتل وغارت ها و بسیاری از مصایبی بوده که بر این سرزمین گذشته واین گفته ها ونکته های ارزشمند خلق شده است.

– مضمون شعرهای خود را چگونه انتخاب می کنید؟

– من تلاشی برای انتخاب آن ها نمی کنم غیر از این که شعری سفارشی باشد. شعر الهام خدایان است و با توجه به موقعیت روحی روانی که شاعر در آن قرار می گیرد زاییده می شود. غالبا شعر به سراغ من می آید و مضمون ها نیز ناخواسته بوجود می آید .

– وضعیت کنونی شعر در شهرستان دشتی چگونه است و آیا انجمن شعری قوی که مستمر وشاعر پرور باشد فعالیت می کند؟

– فایز و محمد خان دشتی حق بزرگی بر شعر وشاعران شهرستان دشتی دارند.محمد خان بواسطه تاسیس کانونی هنری و پر و بال دادن به شاعران و فایز که با دوبیتی ها یش هم دشتی را بلند آوازه کرد وهم دوبیتی را قالب اول شعر دشتی کرد و مسبب اصلی گسترش این قالب در جنوب شد. هم اکنون در دشتی دو انجمن فعالیت دارند که یکی متعلق به نسل جوان و در فرهنگسرا جلسات آن تشکیل میشود ودیگری متعلق به پیشکسوتان شعر شهرستان است و در آن شاعران ارزنده ای چون حاج علی مرادی، ایرج اسدی، سید اسماعیل بهزادی، سید محمد رضا هاشمی زاده ، سید ابراهیم بهزادی ، احمد منصوری و تعدادی از منتقدان میان سال و محققینی چون سید کوچک هاشمی زاده در آن حضور دارند ودر فواصل این جلسه موسیقی نیز نواخته می شود. این نشست خانگی است و هر هفته یکی از شاعران یا محققین میزبان این جلسه است و دوستان معتقدند ساعتی که در این جلسه هستیم جزو عمر ما محسوب نمی شود. خوشبختانه شاعران پیشکسوت ارتباط خوبی با شاعران جوان دارند و بویژه سید محمد رضا هاشمی زاده حضوری مستمر و فعال در جلسات شعر فرهنگسرا دارد و مایه دلگرمی شاعران جوان است. ضمن این که شهرهای کاکی و شنبه نیز انجمن ادبی مستقلی دارند و شاعران خوب گمنامی در جلساتشان حضور می یابند. درسال های اخیر پدیده های تازه ای در شهرستان دشتی ظهور پیدا کرده اند و اگر از مسیر اصلی شعر منحرف نشوند حرف های زیادی برای گفتن خواهند داشت.

– برخی شاعران جوان را در شعر به فقر مطالعاتی وعدم وجود منابع مطالعاتی وحتی عدم آگاهی از آن ها متهم می کنند ، نظرشما در این باره چیست؟

برخی برای همه هنرها صدق می کند و قرار نیست هر کسی که وارد دنیای شعر می شود شاعر بزرگی شود. شعر ایران هزار سال قدمت دارد ولی شاعران ماندگار ما صد تن نیستند وشاعران جهانی ما به ده تن نمی رسند. در سایر هنرها هم همین گونه است. اگر شاعر بیشتر داریم بخاطر شرایط فرهنگی و شاید گویش ماست که شاعر پرور است اما هنر شعر علیرغم روح لطیفش جسم خشنی دارد و یک شاعر باید دارای صبر وشکیبایی فراوانی باشد وبه قولی پوستش کلفت باشد تا دوام بیاورد. آخر نه مثل گذشته به شاعر صله ای می دهند واگر هنجار شکن هم باشد مورد تاخت وتاز قرار می گیرد و مشکلات چاپ آثار و پخش آن هم به جای خود محفوظ .اما فقر مطالعه در اکثر هنرمندان جوان ما وجود دارد. مطالعه آثار ادبی ما نه برای شاعران که برای همه هنرمندان الزامی است و این مشکل باید به صورت جدی آسیب شناسی شود. وقتی دبیران ادبیات ما با شعر مخالفند چه انتظاری است که دانش آموز علاقه مند به شعرشود وبا یقین می توانم بگویم بیش از ۹۰ در صد از دبیران، حافظ را در حد متوسط یا ضعیف هم نمی شناسند و۲۰ در صد از اشعار حافظ را هم مطالعه نکرده اند و البته خیلی از استادان دانشگاه نیز از ادبیات ایران اطلاعات خوبی ندارند. درس ادبیات در دبیرستان و دانشگاه های ما جایگاهی ندارد واز این روست که غالب مدیران وتحصیل کرده های ما انشا واملای ضعیفی دارند. روزی ایرانیان مظهر سخن وری بودند اما امروز حرفی برای گفتن نداریم. آری امروز نه برخی که خیلی از شاعران جوان با فرهنگ کهن سال خود و با ادب دیرپای این سرزمین بیگانه ونامانوسند اما تقصیری بر آنها وارد نیست.

– چه توصیه ای به رای شاعران جوان دارید؟

– من خود نیاز به توصیه دارم. شاعران جوان را می ستایم که با انگیزه ای که دارند چراغ های انجمن های ادبی را روشن نگه داشته اند. در سرزمین فردوسی چراغ شعر نباید خاموش شود. اما از مسوولین استدعا دارم تا بیشتر به شعر توجه نشان دهند و انجمن های ادبی را مورد حمایت قرار دهند. تشکیل هر هفته جلسات ادبی در نهادهای فرهنگی وهنری در وهله اول بیلان کاری برای آن نهاد هاست و باید با حمایت این انگیزه ها را دو چندان کرد. اگر قرار است کمکی به شعر استان شود باید میزبان جشنواره های شعر باشیم. چند سالی در تلاشم تا جشنواره ملی دوبیتی و رباعی فایز را در دشتی برگزار کنیم اما با عدم حمایت مواجه می شویم.

برای محسن شریفیان

شاهرخ سروری

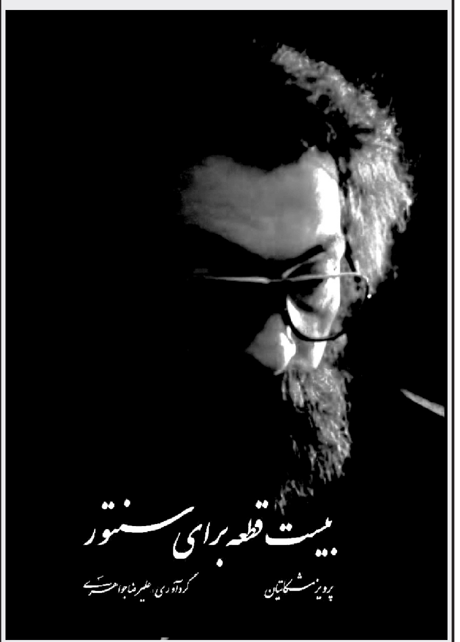
تب کرده در عشق اینک
زار خوان
جزیره های دور
شالوی نیمه خوان دریا
یزله گیر مانای
ماهور جنوب
آی
چوبی نواز شادمانه ی ساحل
بار دگر
انبان عشق
در آغوش
خود بگیر



بیست قطعه برای سنتور*

ما خود نمی رویم دوان از قفای کس
آن می برد که ما به کمند وی اندریم!(سعدی)

حماسه ی حق پرست



۱)پگاه؛
پرواز تا دوردست ترین افق مهر
و نازکای خیال تو در شعر بلند سنتور،
گنجای این همه را یک جهان دارد آیا؟!

۲)مخالف؛
گوشه گوشه ی گیتی برای تو
بیکرانه گی ساز بود و هوای همیشگی آواز!
تا بدرقه ی بی هنگام مضراب های بی قرار تو را
آسمان ابر گرفته،
دریا دریا بگرید...

۳)در غم؛
در غمت چه ساز می توان نمود و چه می توان نواخت؟!
در غمت، همیشه جاری است سیل اشک و صبوری البرز...
آه، چه بی نهایت تلخی است،
آغاز در غمت!

۴)سرانداز؛
سراندازان و رخ باخته گان شعر سعدی و خماران غزل حافظ
این جا به جان شیفته ی خود در صحن و سرای سنتور
مقام صبر را مشق می زنند.
چه جهد بی ثمری!!!

۵)شکسته؛
آیین پرسه،
همچنان برقرار
تا شکسته بالی سنتور بر فرض محال التیام یابد.

۶)سروناز؛
سروناز تو و سرو آزاد یاران
اینک به سحر سیاق تو در خویش خموش گشته است و ...
ناز و نیاز ما تاَ کجاست مگر؟!

۷)کرد بیات؛
آوای دلبری ات، سیر آفاق بود و نظاره ی تاریخ:
آشنای دیرپای زمین می خواست و داستان عهد کهن !
جسته ایم ما / یافت می نشود...

۸)گلنوش؛
همراهی گلعذاری ز گلستان جهان تو را بس
تا در کنار شربی مدام که نوش تو باد !
خاک را طراوتی هماره بخشند،
جوانه های سنتور.

۹) رقص چوپی؛
مرز پر گهر و سجده به آستان جانانش،
رقصی چنین میانه ی میدانم آرزوست!

۱۰)نغمه؛
گذراز روزگاران رفته ی نیشابور بر برج عارف و قلعه ی شیدا
تا هزار قمری ساز تو نغمه خوان عطار شوند و به شور آیند.

۱۱)شورانگیز؛
معنای نام تو شورانگیزترین انسان بود
و تجسم بی پایان رزم مشترک در شبستان دردهای بی امان!

۱۲)خسرو و شیرین؛
بگذار تا فراز و فرود این فسانه همچنان
شیرینی گفتار باشد در تلخکامی خسرو
و ما در آن جغرافیا رهاتر از پیش

۱۳)چوپانی؛
به رسم شبانان دشت های انتظار
به سبک نی لبک عاشقان واله ی مهجور
بنواز!

۱۴)غم انگیز؛
فراق روی تو در هر نظر که برآید

۱۵)سرکش؛
رباعی خیام و دستهای خرامانش
تا درک خمخانه های پر رونق و فلسفه ی سرکش بی محابایش
آیینه ی هستی چیزی غیر از این چگونه تواند باشد؟

۱۶)دل انگیزان؛
هنوز هم قاصدک قافله های بی شمارت می خوانند،
تا جاودانگی تاریخ به ساز تو در تسخیر دل انگیزان درآید و دیگر هیچ!

۱۷)جامه دران؛
چاره نیست جز جامه دران صبح ساقیای تو شدن
چاره چیست جز بر چکاد ساز تو تا دور آواز خواندن؟

۱۸) بیداد؛
همین زادروز نابگاه اهریمن است و اعجاز تو در چیره گی سر عشق
راهی اگر چه دراز، اما شوق تو را هزار جوانه در سر پرورانده است

۱۹) طرب انگیز؛
مطربان همه عالم سرخوش و سرفراز
گرد بام و فلک و ساز تو در طربند.

۲۰)پیروزی ؛
پرویز مشکاتیان و دستهای پر از سنتورش...

*بیست قطعه: نام نخستین مجموعه ی جاودان یاد استاد پرویز مشکاتیان،که شامل بیست قطعه برای سنتور می باشد و نام قطعات این نگارنده نیز ازهمان اسامی بیست قطعه وام گرفته شده است.

رابطه شناسنامه فنی و ملکی با اخلاق

غلامرضا رفیعی



کسانی که با حقوق آشنایی نسبی دارند می دانند قانون گذار همواره مینیمم اخلاق را در متون قانونی رعایت می کند، در واقع رابطه اخلاق و قانون عموم و خصوص من وجه است یعنی در نقاطی با هم تلاقی دارند. در نظر قانون گذار ایجاد نظم از نظر به اخلاق مهم تر است زیرا قانون گذار با تکیه بر قدرت عمومی عمل می کند، البته در مراحل پایین تر نیز به ترتیب اولویت مراکز بهره ای از قدرت عمومی می برند. انتظار این است به نسبتی که از هرم قدرت به پایین سرازیر می شویم رابطه قانون و اخلاق از عموم و خصوص من وجه به عموم و خصوص مطلق میل کند یعنی این رابطه را نزدیک تر ببینیم. اخلاق عبارت است از رعایت ادب مقام. اگر یک معلم خود را جهت تعلیم زیر دستان آماده نکند و بدون امادگی در سر کلاس درس حاضر شود اخلاق معلمی رابجا نیاورده و بی اخلاقی کرده است. پزشکی نیز که بیش از آن که شرافت پزشکی او ایجاب می کند یعنی درمان مریض به تعرفه بیندیشد اخلاق پزشکی را رعایت نکرده است .

در تبصره ۲ ماده ۳۱ فصل نهم آئین نامه اجرایی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان پیش بینی تعرفه صدور شناسنامه فنی و ملکی شده است . «هز ینه های خدمات مهندسی که در قالب شناسنامه فنی و ملکی به مالک ساختمان ارائه می شود بر اساس تعرفه خدمات فو ق که سالانه به پیشنهاد شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی به تصویب وزارت مسکن و شهر سازی می رسد در قالب ماده ۳۷ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان دریافت می شود». با نگاهی اجمالی به متن آئین نامه وتعداد مواد آن که حدود سی و چند ماده می باشد و اشاره به تعرفه در تبصره ماده سی و یکم و همچنین نحوه نگارش تبصره یعنی اشاره به پوشش هزینه ها آن هم در قالب ماده ۳۷ قانون نظام مهندسی می توان به سادگی دریافت که منظور اصلی قانون گذار ابجاد درآمد برای نهاد کنترلی ساختمان نبوده است .

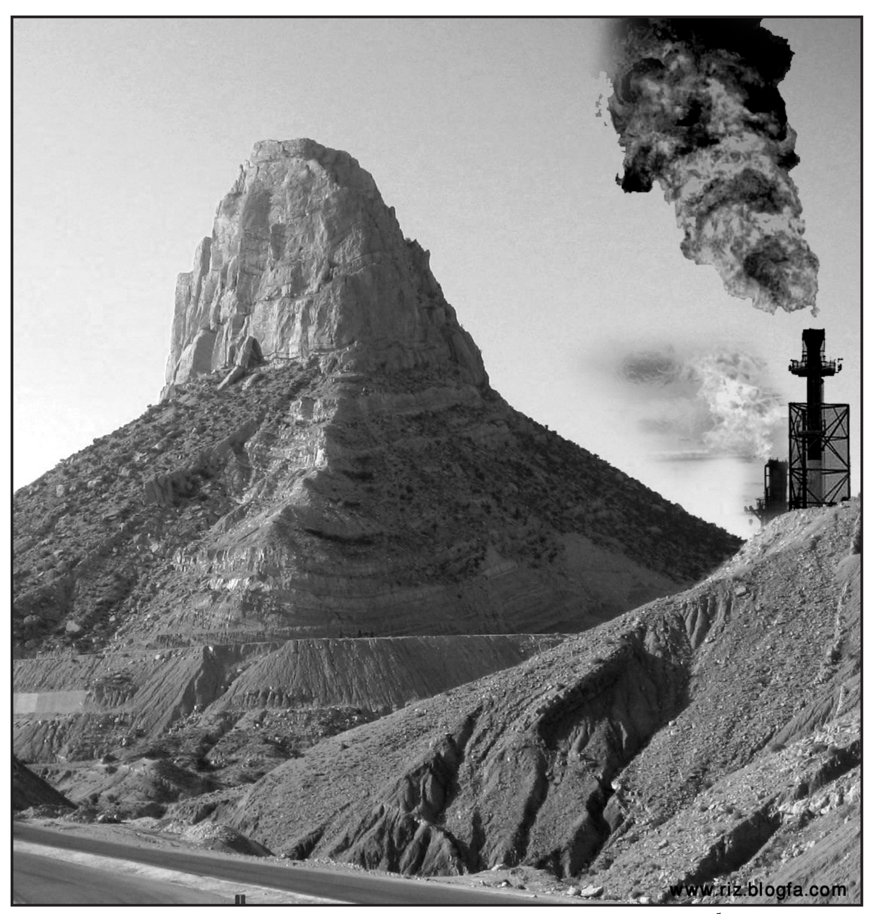
باتوجه به مقدمه باید انتظار داشت که در مراحل پایین تر توجه به این تبصره هنوز کمتر از این باشد اما متاسفانه چنین نیست ظاهرا این تبصره جزو چشم نواز ترین هاست . نهاد تخصصی مانند سازمان نظام مهندسی می بایست با جلوه دادن به تخصص خود در قالب عیان کردن منافع کاربردی این تخصص به جمع ثروت بپردازند نه با الزامات قانونی و پر رنگ کردن حواشی و تبصره های آئین نامه های قوانین ساختمانی . دریافت مبلغ گزاف به ازاء هر متر مربع جهت صدور شناسنامه فنی و ملکی آن هم در پایان کار ساختمان واقعا خلاف اخلاق و انصاف به نظر می رسد.

در نظر بگیرید فردا هر صنفی با در راس خود قرار دادن یک وزیر بازنشسته دنبال چنین منابع درآمدی بگردد، آن وقت فقط خدا می داند بر سر اخلاق چه خواهد آمد.

لب تشنه بر دریاچه ای از نفت

شرکت نفت چشمان خود را به این مشکل عظیم بگشاید

احمد نوردوست - عضو شورای بخش مرکزی و شهرستان جم



شهرستان جم با ارتفاع هفتصد متری از سطح دریا در منطقه گرم و خشک ایران زمین قرار دارد. موقعیت جغرافیایی آن به گونه‌ای است که از سایر نقاط مجاور خود مرتفعتر بوده و برای ورود بدین دیار میبایست دقایق آخر را سرابالایی های هرچند با شیب زیاد در نوردیم. از سمت بنادر میتوان به سرابالایی منتهی به قلّه پدری و از سمت استان فارس گردنه مشهور به شتری واپسین نفس رهپویان را میگیرد. منطقه جم را میتوان دشت مرتفعی نسبت به مناطق همجوار تصور نمود. این موضوع را از این لحاظ می‌بایست مد نظر قرار داد که سیلاب‌ها و آبهای منطقه به سرعت دیار ما را ترک می گویند و با این اختلاف ارتفاع نمیتوان انتظار ورود جرعه‌ای آب از شهرهای همجوار به منطقه خود را داشته باشیم. جم تنها منطقه در استان بوشهر می‌باشد که از دیر باز آب شرب و کشاورزی خود را بدون چشمداشتی از سایر نقاط تامین می‌نموده است. این مایه حیات با تدبیر پیشینیان ما که از جان مایه می‌گذاشتند در دل کوه‌ها و دره‌ها مهار می‌شد و همیشه آب روان در پهنه رودخانه بزرگ مشهور جم کام تشنگان را سیراب می‌نمود.

نه نیازی به آب انباری بود و نه تشنگی به سراغ مردم می‌آمد. اگر در گذشته بندر سیراف را بندر تجاری بزرگ جنوب ایران زمین مینامند، جم نیز قطب کشاورزی عظیم منطقه بوده است. نمیتوان یک وجب از زمین، حتی در کوهستان‌های صعب‌العبور را پیدا نمود که با احداث بند و تراس های قدیمی بیهوده باقی مانده باشد. سدهای عظیم گلو قلات و نمونه‌های بی‌شمار دیگر هنوز برای ما از کوشش مردمی نستوه میگوید که قدر این مایع حیات را می‌دانستند. سخن از سعی مردم جم در مهار آبهای سطحی خود چکامه‌ای مجزا می‌طلبد. در ازمنه‌ی نه چندان دور صدای موتور پمپی جهت استحصال این مایع حیات به گوش نمی‌رسید. در سطح شهرستان ما رشته قنوات در تار و پود آن تنیده شده بودند و آب زلال را به سخت کوشان آن زمان عرضه می‌کردند. نقش این رشته قنوات در تاریخ سیاسی جم نیز قابل تامل است.

و اینک

آنچه مسلم است شهرستان ما در منطقه‌ای کم بارش قرار دارد ولی با همین حجم بارش اندک اگر بتوانیم سیلاب‌ها را مهار نماییم هرگز به مشکلی بر نمی‌خوریم. چه اینکه در زمان‌های قدیم نیز همین وضعیت بود و مردم با مدیریت منابع آب بحران‌ها را پشت سر می‌گذاشتند.

مشکل اصلی منابع آب در شهرستان جم از دهه ۱۳۶۰ با ورود شرکت نفت به منطقه آغاز گردید. نمی‌خواهم قدر نشناس برکت ورود صنعت گاز در منطقه باشم. از همان جاده پر پیچ و خم قبل و اکنون خسته که جهت آوردن تاسیسات حفر چاههای نار بدین دیار کشیده شد تا اتوبان کنونی جم شیراز که جهت حمل محصولات پتروشیمی احداث گردیده جای شکر دارد. اتوبانی که شاید خیلی نسبت به احداث آن سنگ اندازی می‌نمودند ولی چون مورد نیاز شرکت نفت بود بدون نوشتن حتی نامه‌ای، چون رویایی برای مردم جم احداث گردید. از این رهگذر دو معضل عظیم گریبانگیر منطقه ما شد. نخست آلودگی هوای منطقه و دیگر که اینک ملموس تر است بحران آب. بحران آبی که شرکت نفت میتوانست برای مهار آن کمکی کند و نکرد.

به یاد داریم که برای احداث فرودگاه توحید و ایضاً شهرکی به همین نام در دهه ۱۳۶۰ بیشتر رشته قنوات اصلی بخش مرکزی بدلیل آنکه در این دو طرح قرار گرفتند از بین رفتند. رشته قنات‌های مشهور علی آباد، چم‌برکه، صیدی، چم‌رو، تل قلعه و نرگسی از آن جمله‌اند. آب زلال را بدون دردسری به زارعین و مردم عرضه می‌کردند. نه نیازی به گازوئیل سهمیه‌ای بود و نه منت اداره برق برای برقی نمودن موتور پمپ و نه دغدغه‌ی قطع آب. برکت خداوندگار سیلان بود و مردم از آن منتفع.

جهت اجرای آن دو طرح گلوی قنوات را فشردند و مسلوب المنفعه نمودند. شاید بگویند بهای آن را دادیم. بالفرض که چنین باشد آیا ارزش جریان آبی که در قنوات جریان داشت از خون رگهای ما کمتر بود؟ میدانید چقدر نخیلات به همین دلیل از بین رفتند؟ میدانید که واحد شمارش نخل نفر است؟ میدانید که اگر ثمن‌البخسی پرداخته باشند خون‌بهای نخلهایمان و در بلند مدت خودمان را پرداختند؟

از اقدامات بعدی شرکتهای تابعه نفت برای از بین رفتن آب‌های سطحی منطقه برداشت بی‌رویه‌ی شنهای کف رودخانه‌های جم بود. هرچند از لحاظ فنی بدلیل عدم تخصص اینجانب توان اظهار نظر کارشناسی نمی‌نمایم ولی همیشه می‌دانم که سال‌ها برای زیر سازی فرودگاه و شهرک توحید و همچنین تامین ماسه‌های آسفالت پروژه‌های شرکت نفت در دهه ۱۳۶۰ بار آن بر دوش رودخانه‌های فصلی بخش مرکزی جم بود و این برداشت بی‌رویه باعث شد که اولا به‌دلیل نبود شن در کف رودخانه سیلاب‌ها با شدت هرچه تمامتر از منطقه خارج شده و همچنین آب‌های سطحی کف رودخانه‌ها خشک شوند. افرادی که در دهه پنجاه و نیمه‌ی اول دهه ۱۳۶۰ میزیسته‌اند به خوبی به یاد دارند که رودخانه فصلی جم از بهر حاجی نوشاد تا گلو بردکان مملو از آب زلالی بود که همواره جریان داشت. ولی حال کو قطره‌ای که بتوانیم غبار دیدگانمان بشوئیم؟! از آن آب چشمه و قنوات نیلاب و آبگرمک دیگر خبری نیست. حتی اگر برای کودکانمان از انبوه درختان و باغ‌های خشکیده‌ای که در آن زمان از همین آب‌ها سیرایب می‌شدند واگوئیم کسی را یارای باور شدن نیست.

مرحله سوم که غمبارترین مرحله است برداشت بی رویه‌ی آبهای زیر سطحی در منطقه توسط شرکتهای تابعه نفت می‌باشد. این واقعیت را باید پذیرفت که برداشت آب کشاورزی و شرب مردم جم تا قبل از ورود شرکت نفت بقدر نیاز و جایگزینی طبیعی صورت می‌پذیرفت.حتی استفاده از آب با سیستم غرقابی سنتی نیز جوابگو بود. حال که سیستم نوین آبیاری قطره‌ای که صرفه‌جویی در مصرف را افزایش داده چرا بدین بلای کم آبی مبتلا شده ایم. به یاد دارم در سال‌های دوم دهه ۶۰ آرزو میکردم تابستان نیاید، چرا که فصل تابستان مساوی بود با کم شدن آب چاه و کف شکنی و مرارت‌های غیر قابل وصف کف شکنی که می‌بایست ده‌ها روز با آن دست و پنجه نرم کنیم.

دلیل آن نیز همین بود که در همان نیمه‌های دوم دهه ۶۰ شرکت نفت اقدام به حفاری چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در سطح شهرستان و برداشت بی رویه آب صنعتی نمود. اوج برداشت از بهمن ماه ۱۳۶۸ همزمان با افتتاح پالایشگاه عظیم گازی جم صورت پذیرفت. با داشتن کارشناسان خبره هر نقطه از شهرستان ما را دشنه‌های خود فرو کرده و بهترین و زلالترین آبها را برای خود استخراج و بهره‌برداری نمودند. ولی آیا برای این برداشت‌های بی‌رویه تدبیری جهت جایگزینی صورت پذیرفت؟ آیا شرکت نفت نیز مجوزی جهت حفر چاه‌های خود دریافت می‌نمود؟ آیا هنوز چاه‌های عمیق صنعتی بدر و حنین شرکت نفت دارای مجوز می‌باشند؟ آیا اداره آب را یارای برابری با شرکت نفت پس از بیست سال برداشت بی رویه و بدون مجوز مخازن آب شرب جم هست؟ آیا چاه‌های دهگانه‌ی صنعتی و ... شرکت نفت دارای کنتور می‌باشند که کشاورز جمی این مظلوم عالم را که دیواری از آن کوتاهتر نیست به محکمه کشانده و ایراد کنتور و بهره‌برداری غیر مجاز می‌نمایند؟ آیا سبب بلای خانمان‌سوز ته کشیدن سفره‌های آب جم شرکت نفت می‌باشد یا کشاورزی که برای سد جوع کشاورزی مختصری راه انداخته است؟ آیا با بستن چاه آب کشاورز، کشاورز جمی یارای آبدارچی شدن نفتیان را دارد؟ آیا حمایت از کشاورز و کشاورزی با بستن چاه و فشار بر سر آنان رهگشاست؟ آیا با پلمپ کردن چاه‌های کشاورزی می‌توان جلو تغییر کاربری اراضی از کشاورزی به سایر را گرفت و یا صحبتی از اعتلای کشاورزی منطقه را میتوان نمود؟

چاره‌ی کار چیست؟ به یاد دارم سال‌ها قبل که بحث کمک جهانی به ترمیم سوراخ لایه اوزون مطرح بود نماینده محترم مردم بندر عباس در مجلس شورای اسلامی گفت همان‌ها که سوراخ کردند بدوزند. بله و اینک مشکلات منطقه ما را شرکت نفت بوجود آورده و به نظر اینجانب نه از باب مساعدت و ترحم بلکه وظیفه‌ی آنان است که این مشکل را برطرف نمایند و به دلیل دیر جنبیدن نیز بایستی پاسخگوی مردم صبور جم باشند. نفتیان که جهت ساخت سردری که پس از بیست سال هیچگونه ضرورتی احساس نمیشد و صدور محصولات نیز انجام می‌پذیرفت توان هزینه کرد صدها ملیون تومان را به راحتی و بدون نیاز مبرم دارند، میتوانند با احداث سدهای ذخیره آبی و طرح‌های آبخیز داری که در حدود ۲۰۰۰ نقطه شهرستان پتانسیل آن را داشته و طرحهای مطالعاتی آن نیز با همت خودشان پایان پذیرفته است برون رفت این معظل را بیابند.

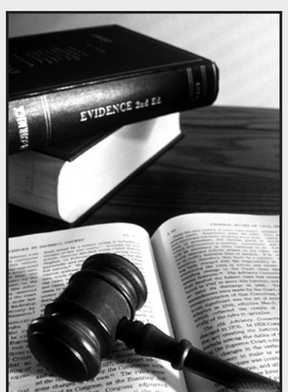
تسریع در ساخت سد سرچشمه که در همین بحران بی‌آبی تابستان ۸۸ نگارنده سطور مشاهده کرد که صدها اینچ آب در ثانیه از آن منطقه به هدر می‌رود. شرکت نفت بجای سوراخ نمودن زمین‌های انارستان که در واقع هر چاهی تیری در دل کشاورزی است میتواند با احداث این سد نیازهای آب شرب و صنعتی خود را تامین نماید. آب زلالی که هم اینک نیز به هدر می‌رود و کاش کارشناسان نفت با مطالعه و آتیه نگری فرجام بد خشکسالی و در دهه ۱۳۶۰ این طرح بزرگ را برای منطقه و خود شروع کرده بودند تا هم اینک کفگیر چاه‌های عمیق خودشان نیز به ته دیگ نخورد.

مسوولین محترم بخصوص اولیاء امر شرکت نفت، چنانچه این سطور را میخوانید، من نمیدانم که بودجه‌ی شما چگونه تامین میشود ولی آنقدر میدانم که آنقدر متموّل هستید که بتوانید با احداث آب شیرین کن در بندر طاهری خط آبی نیز در جوار میعانات گازی خود احداث و همزمان با صدور میعانات، آب صنعتی خود را تامین نمائید. امید مردم منطقه به اجرایی نمودن طرح های مطالعه شده آبخیز داری به کیسه‌ی شماست. طرح‌هایی که از مرحله تصویب و از روی کاغذ در آمدن بجهند و در طبیعت جاری شوند. در آخرین بارندگی سیلابی سال جاری که بیش از هفتاد میلیمتر بارندگی در ساعت داشتیم وقتی با خروج سرسام آور این مایع حیات از منطقه مینگریستم میگریستم.

بنظر این حقیر بجای آنکه ۶۰ میلیارد تومان هزینه پروژه‌ی آب کوثر بندر طاهری نمائید که جرعه‌ی آبی از اقصا نقاط ایران بدین دیار بیاورد, بیایید این پول را هزینه‌ی بهینه سازی حوض کوثر جم نمائید. بیائید و این طرح‌های آبخیز داری و آبخوان‌داری را اجرایی کنید. آخر تا کی باید مردم جم به شرکت نفت به پروژه ای ملّی نگاه کنند که ضرر آن برای منطقه در بعضی موارد بیش از نفع آن است و منفعت‌های آن نیز از چشم بیاندازد. چشمه‌هایی که سرچشمه‌ی آن‌ها از کوه‌های اطراف فاقد پروژه‌های نفتیان جم می‌باشد هنوز در این خشکسالی میتراود؟ چرا؟ چون شرکت نفت پروژه برداشت آب در آن حوالی نداشته است؟ چشمه‌های مکو و خانیچه و اروانه و دهها نمونه‌ی دیگر صدق مدعایم است. امید آنکه شرکت نفت چشمان خود را به این مشکل عظیم بگشاید و باز شاهد آبادانی منطقه خود باشیم. چرا که در این ایده راسخیم هرکجا آب هست آبادانی هست.

جُستاری درباره قانون

فرخ روزبهی



یکی از مهمترین خصوصیات جامعه سالم و موفق، نظم و انضباط و راحتی روابط اجتماعی است. نخستین شرط نظم، وجود قانونی است که مردم در برابر آن تکلیف خود را بدانند. هرچند مناسبات اجتماعی در ایران در دو قالب، قوانین رسمی و ارزش های شایع یا الگوهای غیررسمی رفتار به نظم می آیند، اما به عکس جوامع گذشته که بر سلسله مراتب، سنت و معتقدات می چرخیدند، در روزگاری که آن را دوران قانون نامیده اند، چاره ای جز تکیه بر قانون و تاسیسات آن نیست. این ضرورت ناشی از ورود تمدن صنعتی در زندگی امروز است. از آن جمله اند: افزایش و تراکم جمعیت، رشد شهر نشینی، افزایش نیازها و توقعات، مسائل جدیدی مثل بهداشت، شتاب و سرعت زندگی که اداره جامعه چند ده میلیونی ما را پیچیده تر نموده است.

قانون داده ای فنی و محصول تدارکی آگاهانه و پیش اندیشیده و مجموعه ای همگن و مرکب از حقوق لازم الاجراست که تهیه و تنظیم آن در یک دستگاه تخصصی صورت می گیرد و به وسیله فرمول هایی که اغلب جنبه نوشتاری دارند، بیان می شود. براساس اصل تفکیک قوا که در ایران بطور نسبی پذیرفته شده، تدوین قانون برعهده قوه مقننه است (اصل۸-۵۷،ق۰۱۰) و قوه مقننه ما یک مجلسی و دورکنی، شامل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است(اصل۹۳ق۰۱۰).

گاه قوانینی که پس از گذر از پیچ و خم های نهادهای موازی مجلس، شورای نگهبان و در موارد اختلافی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوب می شوند، تا حدودی اعتبار و اقتدار اولیه خود را در نزد افکار عمومی از دست می دهند.

قانون باید بیان اراده گروه اجتماعی (= جامعه کل) باشد. بنابراین قانونگذاران می بایست دائما در جریان خواست ها و نیازهای هیات اجتماعی باشند تا قانون هر چه بهتر نیاز جامعه و افراد آن را ارضا و خرسندی بیشتری ایجاد کند. در این صورت نظم و امنیت عمومی نیز حاصل خواهد شد.

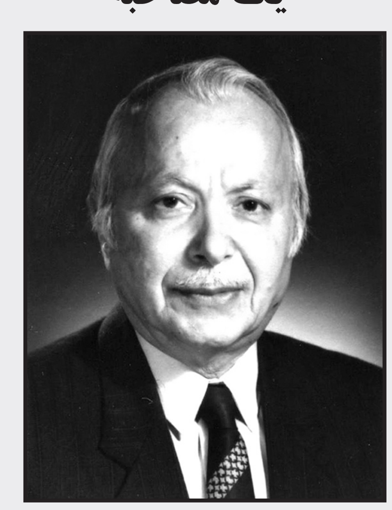
مشکلات و تنگناهای قانون و عوامل تضعیف کننده آن یکی دو تا نیستند. اما این نوشته قصد ندارد که به همه این عوامل از جمله وظایف قوای مجریه و قضاییه پس از انتشار و گذشتن مهلت اجرای قانون بپردازد. نقشی که می تواند به قانون اقتدار و اعتبار بیشتر بخشید یا آن را کم اثر کند. نکته تاسف انگیز، وجود برخی رسوبات و آلودگی های فرهنگی اجتماعی است که ریشه در تاریخ ما دارند. قرن ها استبداد و یک و نیم قرن استعمار، نوعی بدبینی نسبت به قانون در بین مردم ایجاد کرده است. اصطلاح «چوب قانون» (هم در معنای خوب و هم بد) و اصطلاحاتی نظیر،« باید خر کریم را نعل کرد» (کریم شیره ای، دلقک ناصرالدین شاه) « سه بوقه» و «حسینقلی خانی بودن» (هر که هر که شدن... هرج و مرج. اخذ از حکومت حسینقلی نامی در قزوین)، بیانگر ناخشنودی از قانون و تمایل به انجام امور از مجاری غیر قانونی است. اگرچه مطالب گفته شده در بالا بخشی از واقعیت را در دوران خود دارند، ولی زمینه پذیرش قانون در جامعه را دچار اختلال می کنند.

اما مناقشات اخیر درباره ی حاکمیت بی قانونی، ضرورتاً به معنای نبود قانون نیست. بلکه بحث بر سر وجود افراد و گرو ه هایی است که برای خود اعتباری پیش از قانون قائل هستند و میل و اراده خود را جایگزین آن می کنند. در نتیجه قانون نادیده گرفته می شود و چون در چنین فضایی هر چیزی ممکن است، هیچ چیزی در آن مطمئن و قابل پیش بینی نیست.

برای بهتر نشان دادن این فضا، حکایتی از ادبیات گذشته ایران، وام گرفته گواه استدلال خود می کنیم. «انوری ابیوردی» حکایتی را به نظم در آورده که «سعدی» در «گلستان» خود، آن را به زبان نثر باز گردانده: «روباهی را دیدند که می گریخت. علت را پرسیدند، گفت شایع است که شتران را می گیرند. گفتند اگر شتران را می گیرند، تو چرا می گریزی؟ گفت اگر بدخواهی مرا به شتر بودن متهم کند، تا بیایم اتهام او را رد کنم کار از کار خواهد گذشت.»

می گویند پیشتازان مشروطیت ایران نیز تأکید اصلی شان را برحاکمیت قانون گذاشته بودند، «روزنامه قانون منتشر می کردند و کتابی به نام «یک کلمه» می نوشتند که درآن معلوم می شد، مراد از آن یک کلمه، قانون است. قانون اساسی نیز در فصول و اصول متعدد، حساسیت و دغدغه خود را در مورد حاکمیت قانون وتساوی همه افراد در برابر قانون به طور صریح و ضمنی بیان کرده است.»

توضیح دکتر طبیب درباره یک مصاحبه



جناب آقای قیصی زاده سردبیر محترم هفته نامه نسیم جنوب

پس از سلام ، پیرو مصاحبه تلفنی فی البداهه ای که تحت عنوان "مبارزه با بیماری با دستان خالی" در شماره ۵٦۱ شهریور سال جاری درج شده، توجه جنابعالی را به نکاتی که از قلم افتاده یا بیانگر مقصود اینجانب نمی باشد جلب تا در صورت صلاحدید در شماره بعدی هفته نامه منعکس فرمایید:- در سفر به شیراز اواخر آبان ماه که دو ماه از سال تحصیلی گذشته بود بعلت نبود وسیله ی مسافرت، با ماشین باری و بصورت کاروان حرکت کردیم، در محل چهل چشمه مورد هجوم راهزنان قرار گرفتیم که جملگی بار کامیون ها که بیش ار ۲۰ ماشین بود منجمله چمدان و تمام وسایل اینجانب به سرقت رفت و دست راستم نیز با دشنه مجروح شد، این ناامنی بعلت اشغال مملکت توسط روس و انگلیس بود.

- محل خانه پدری، ساختمان مرکز ایران شناسی (بوشهر شناسی) جنب منزل حاج علی اکبر مهربان (میراث فرهنگی) صحیح است. - جمله "آن وقت اداره بهداری در قرنطین عثمانی بود" غلط است. "قونسولگری عثمانی" صحیح است که در محل فعلی بیمارستان علی اصغر واقع بود.

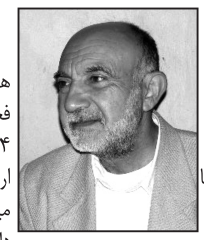
- اما درمورد " شورکی اهرم" : در اواخر زمستان اعلام شیوع بیماری نامعلومی شد که عده ی زیادی از اهالی قریه شورکی مبتلا و حتی منجر به مرگ پاره ای از مریض ها شده بود، اینجانب برای بازدید و بررسی علت بیماری به محل رفتم و با مشاهده لاشه سگ مرده در محوطه آبگیری آب انبار نزدیک نخلستان علت مشخص، و با توجه به علایم بالینی، بیماری تیفوبید و پاراتیفوبید (حصبه و اشباه) محرز گردید. با وجود اینکه بودجه دارویی کفاف نمیکرد، از بودجه اداره بهداری و قرنطین های کل بنادر جنوب (عنوان رسمی بهداری بوشهر) بمیزان لازم کپسولهای "کلرومایستین پارک دی ویس" خریداری و بیماران مبتلا را درمان و همچنین با واکسیناسیون عمومی اهالی محل و اطراف از اشاعه و همه گیری به سایر نقاط تنگستان و دشتستان جلوگیری بعمل آمد.

موفقیت شما را در راه خدمت به فرهنگ ایران زمین خواستارم.

دکتر سید علی طبیب - تهران - مهر/۱۳۸۸

حکایت لوله آب روی پل مشیر دشتستان و ویلچر نشینان میراث فرهنگی

عبدالکریم نیسنی



هفته نامه سلام جنوب در زمان فعالیت خود در مورخ یازده مهر ۸۴ صفحه هویت، گفت و گویی با اردشیر محمدی، مدیرکل وقت میراث فرهنگی و گردشگری داشت، ایشان خیلی شجاعانه در حفظ و عدم تخریب میراث گذشتگان اظهار داشته بود: "کندن یک خشت همانند کندن تکه های از تن من است". غافل از اینکه خشت های متعددی از میراث فرهنگی کشور که پاره تن ایشان باشد بخارج رفتند، البته متاسفانه نه در چهار گوشه کشور بلکه در استان ما، گرچه این سازمان گام های بلندی در این راستا جهت مرمت آثار برداشته، اما باز باید گفت مدیران قبلی یعنی آقایان، محمدی باغملایی و عباسی سملی و مدیر وقت جناب احمد دشتی شما را بایستی با وضع فعلی میراث در سراسر کشور در ویلچر ملاقات کنیم که پاره های تن شما خشت خشت در همین چهار محله استان خودمان مرتباً دچار آسیب می شوند، حال که میراث صاحب آوازه در کشور شده که مردم به وظایف او در حوزه خود کاملاً آگاه هستند و وقت آن نرسیده که نه تنها اعضاء انجمن میراث فرهنگی بلکه طرفداران این سازمان گویا و پرسخن در سرزمین ما به صورت جد برپا خیزند یا به یکصد سال گذشته برگردند و تاریخ را تکرار کنند عین مردم اصفهان در زمان رهبری حاج آقا نورا... نجفی روحانی عالیقدر و مبارز و میراث شناس کشور و یکی از مبارزین دوران مشروطه, که با مردم اصفهان برای جلوگیری از تخریب چهل ستون قیام کردند و گروهی از مردم به داخل عمارت رفتند و در آنجا چادر زدند و عده دیگرعمله های ظل السلطان را که به منظور خراب کردن چهل ستون آمده بودند بیرون نمودند، لذا حالا هم خیلی دیر نشده در مقابل هر نابسامانی میراث فرهنگی پوشیدن لباس سیاه و برافراشتن علم سیاه برفراز خانه های دوستداران میراث و عرض تسلیت به سازمان میراث فرهنگی در سراسر کشور مراجعه نمایند و اعتراض نمایند تا متجاوزین و تخریب کنندگان به میراث کشور سرجایشان بنشانند.

اما اصل قضیه: یکی از بناهای تاریخی با وجود استمرار برای مرمت آن و صرف هزینه های لازم که باز در حال تخریب است، پل مشیر تاریخی شهرستان دشتستان می باشد که در مسیر جاده اصلی بوشهر شیراز واقع شده است که در فاصله ۲۵ کیلومتری برازجان و روی رودخانه دالکی قرار گرفته که در پای رشته کوه زاگرس پس از گذشتن از تگناهای پر و پیچ خم در نزدیک برازجان عبور می نمایند.

پل مشیر یا پل حاج مم رحیم در سال ۱۲۸۸ قمری به دستور حاج میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک والی فارس احداث شده که تا سال ۱۳۵۰ شمسی مورد استفاده قرار می گرفته که همچنان بر روی استوانه های خود استوار، در مقابل دید همگان خودنمایی می نماید.

یکی از عوامل آسیب پذیری آن عبور خط لوله شرکت منطقه ای آب استان روی آن است که اجرای طرح حفاظتی برای برون رفت از این وضعیت جابه جایی و تعبیر مسیر این لوله آب بایستی در اولویت قرار گیرد زیرا در چند سال گذشته به علت سوراخ شدن لوله آب روی سطح پل خسارت فراوانی به آن وارد آمد.

امید است قبل از اینکه ناگهان جایی دیگر از لوله های آب روی آن فوران نماید یا به مناره های قرانی آن و ستون زیر پل که ۴۵ متر طول دارد و به گذر ۸ متری آن آسیب برسد به فکر آن باشیم زیرا این پل منحصر به فرد بشماره۲۴۱۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

نمی دانیم شاید اگر بار سنگین و فشار آب لوله پل را در معرض خطر مجدد قرار دهد بر سر ویلچرنشینان میراث فرهنگی که قرار بود، در این را تکه های پاره بدنشان را جدا نمایند تا میراث ماندگار ایران باستان آسیب نبیند چه خواهد آمد.



عکس از تردست

چوب لای چرخ، ببخشید چوب لای سیم

حسین رضا آبسته

محله مون محله ای باصفاست
آدم ها شون همه خوب و با خداست
جبری میگم همه آنجا میشناسین
مشکل زیاده حل آن با کیاست
اخیراً چیزی که داره مد میشه
قهر و آشتی برق قسمتی با اینجاست
چوب که همیشه لای چرخه، میذارن لای سیم
عقب نیستند، اختراعشان با دنیاست
آنها نفهمند که همه اش می برند
چوب که نبود مشکل همیشه با ماست
زنگ میزنیم کی برق ما وصل میشه
حل میکنیم مشکلتون مجدداً با تماس
القصه داستان همه اش تکراریست
مثل تلویزیون که تام با جریست
مشکلات محله مان ما گفتیم
بقیه اش هر چه بشه با شماست

حادثه‌ای تلخ در جاده‌ی شیف...!



عکس تزیینی است

اواسط مردادماه سال جاری، حادثه‌ای تلخ در جاده‌ی شیف – بوشهر اتفاق افتاد که نگرانی مردم منطقه را در پی داشت. هر چند این حادثه در این منطقه کم‌سابقه بوده، اما می‌طلبد حافظان امنیت مردم با تلاش همیشگی خود مجرمان را به دست عدالت بسپارند تا دیگر شاهد چنین حوادث دلخراشی نباشیم.

فؤاد بن‌هاجر از اهالی زحمتکش و سختکوشی‌ست که رزق و روزی خود را از دریا کسب می‌کند. متأسفانه وی به همراه دخترش در روز هفدهم مردادماه مورد حمله‌ی چند سارق گرفته و خسارات جانی و مالی را متحمل می‌شوند. شرح کامل ماجرا را از زبان خود آقای بن‌مهاجر می‌خوانید:

«کار من خرید و فروش ماهی و میگو در اسکله‌ی شیف است. دقیقاً از ۱۵ مردادماه فروش میگو در اسکله را آغاز کردم. محل سکونت من در بوشهر است و بعد از اقامه‌ی نماز صبح با پراید شخصی خودم به طرف محل کارم حرکت می‌کنم و وسیله‌ام را گوشه‌ای پارک کرده و تا غروب آفتاب بی‌وقفه به کار مشغولم. در روز هفدهم مردادماه نیز به مانند روزهای گذشته به کار خود مشغول بودم. دختر ۱۲ ساله‌ام نیز که چند روزی در خانه‌ی پدرم در جزیره‌ی شیف به سر می‌برد، همان روز با من تماس گرفت و گفت که می‌خواهد با من به بوشهر باز گردد. من هم پس از اتمام کار با برادرم تماس گرفتم تا دخترم را با قایق نزد من در اسکله بیاورد. بعد از آمدن دخترم مقداری میگو و ماهی را هم که برای همسایه‌ها گرفته بودم در ماشین گذاشته و تقریباً ۱۰ دقیقه مانده با اذان مغرب به سمت بوشهر حرکت کردیم. در جاده‌ی شیف چهار نفر سوار بر دو موتور، در حالی که صورت‌شان را پوشانده بودند از روبروی ما آمدند و رد شدند. به نظرم این کار را جهت شناسایی انجام دادند که وضعیت را بسنجند. من هم توجهی نکردم و به راه خود ادامه دادم و فکر کردم صورت‌شان را به خاطر گرد و غبار و... پوشانده‌اند. در همین حین ناگهان اسلحه‌ی کلاشینکفی را دیدم که راکب پشتی یکی از موتورها از شیشه‌ی ماشینم که باز بود به سمت من نشانه رفته است و موتور دیگر هم جلوی ماشین را گرفت به طوری که دیگر نمی‌توانستم حرکت کنم. مرد اسلحه به دست خطاب به من گفت اگر جانت را دوست داری بزن کنار و حرکتی نکن! من و دخترم به شدت ترسیده بودیم. به هر حال در جاده‌ای بودیم که وسایل نقلیه به ندرت رفت و آمد دارند و کسی نبود که به دادمان برسد. خلاصه گفتند باید هر چه پول داری به ما بدهی، من هم بلافاصله و بدون بحث و مجادله قبول کردم و گفتم حاضرم هر چه پول دارم و حتا ماشینم را هم به شما بدهم، ولی کاری به دخترم و من نداشته باشید. با توهین و دشنام گفتند ماشین را خاموش کن و پیاده شو، در حالی که داشتم ماشین را خاموش می‌کردم با قنداق اسلحه ضربه‌ی محکمی به پیشانی‌ام زدند که تمام صورتم خونین شد. دخترم با دیدن این صحنه بیش از پیش ترسید و به شدت گریه می‌کرد و در حالی که روسری‌اش را در آورده بود، خون‌های صورتم را پاک می‌کرد. در حال پیاده شدن از ماشین بودم که راکبین موتور دوم به سویم آمدند و مرا زیر مشت و لگد گرفتند و تا آن‌جا که می‌توانستند به شدت کتکم زدند. در حالی که تمام تنم از خون سرخ شده بود، از من خواستند که صندوق عقب را باز کنم. وقتی دیدند نمی‌توانند چیزهایی را که در صندوق عقب بود ببرند، بلافاصله و مستقیم سراغ پول‌ها رفتند. من پول‌ها را در کیف کمری خود می‌گذاشتم و همان روز هم یک میلیون و نهصد هزار تومان همراه خود داشتم که البته تنها بخشی از این پول متعلق به خودم بود. آنها هم بدون جست و جو به سراغ همان کیف رفتند و گویا از قبل مرا زیر نظر داشته و محل پول‌ها را شناسایی کرده بودند. سپس جیب‌هایم را نیز خالی کرده و تلفن همراهم را نیز برداشتند و در مرحله‌ی آخر کلید ماشین را نیز از من گرفتند. در همین گیر و دار موتورسواری از دور پیدا شد که سمت ما می‌آمد. آنها با دیدن موتور بلافاصله سوار بر موتورهای خود شدند و گریختند. من هم با آن حال و روزی که داشتم جلوی موتور را گرفتم و با تلفن همراهی که آن رهگذر داشت به پلیس ۱۱۰ و دیگر مراکز انتظامی خبر دادم و سپس با رسیدن مأمورین پلیس جهت تشکیل پرونده و... به پاسگاه حسن‌نظام رفتم».

فؤاد بن‌مهاجر بحث خصومت شخصی و انتقام‌گیری را رد می‌کند و تنها انگیزه‌ی مهاجمان را سرقت می‌داند. وی ضمن رضایت کامل از تلاش و پیگیری مجدانه و سختکوشانه‌ی مسؤولین انتظامی و قضایی این پرونده و سپاس و تشکر از حساسیت ویژه آنان در این مورد، از آنان انتظار دارد همچنان با جدیت به کار خود ادامه دهند و با پیگیری موضوع و دستگیری متهمان، مانع از تکرار چنین حوادث شومی در منطقه شوند.

نسیم جنوب
۷ ورزشی
شماره ۵۶۵ یک شنبه ۱۹ مهر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

برداشت آزاد

ذهن مربی شاهین قفل شده است

مجید اصلانی



سیر نزولی بد بازی کردن و آسیب پذیری ساختار و سازمان دهی دفاعی شاهین از بازی با استقلال اهواز شروع شد و در بازی با پاس همدان نمود بیشتری یافت تا آن جا که بهادر عبدی ناجی ۳ توپ تک به تک شدن بازیکنان پاس با دروازه بان شاهین گردید و از یک باخت تحقیرآمیز خانگی محافظت بعمل آورد که از چشم تیز بین تماشاگران که به خوبی شکار گر صحنه ها هستند، پنهان نماند.

در هفته دهم بیش از مسابقه یاوری صحبت از تاکتیک پنهان و شلیک فشنگ هایی به سمت دروازه صبای قم نمود که بیش از آن ضیایی بیشتر و بیشتر ساختار تدافعی شاهین را شناخته و نشانه رفته بود و به درستی آسیب پذیری شاهین و دریافت گل های زود هنگام این تیم را به بازیکنان سرعتی خود هم چون محمد رضایی، فشنگ چی و حقی از نواحی راست و عمق شاهین توصیه نموده بود. ولی بعد از اتمام بازی یاوری صحبت از انتحاری بازی کردن بازیکنان صبا می نمود که ما را وا می دارد حتماً در گفتار و تفکرات یاوری موشکافانه مداقه نمائیم.

سه بازی اخیر و اجرای ضعیف و بازی محلی شاهینی ها مستقیما به عهده ایشان می باشد. در مسابقات رقابتی درجه اول کشور فشار روانی آن قدر زیاد است که با توجه به نگرش مدیران و مربیان برای حفظ پست و کرسی، تفکرات نتیجه گرایی صرف در نزد آنان چنان بالاست که موجب می گردد بازیکنان در هر رده و کیفیت از نحوه اجرا (شیوه بازی) خودشان اضطراب داشته باشند هر چند که ممکن است در تمرینات خوب باشند ولی هنگام مسابقه ضعیف و نمایش بدی از بازی فوتبال ارایه می دهند. شاهینی ها اشتیاق به پیروزی کم دارند و از شکست هم می ترسند.

جناب یاوری مشکل بازیکنان در سرشان یا در پایشان یا هر است؟ نقش شما چیست؟ این تیم تمرکز، شخصیت و روحیه جنگندگی خودش را از دست داده است.

بازیکنان در ذهن خودشان چه تصویری از بازی در مقابل حریفان مجسم می نمایند؟

آن چه شاهین به آن نیاز دارد:

۱– ایجاد یک جو مناسب مسابقه ای همراه با صبر، حوصله و تمرین تا تیم احساس «ما» شدن نماید.

۲– کارکردن بر روی وضعیت روانی و ذهنی تیم، زیرا وضعیت روانی و ذهنی مهم تر از کار کردن بر روی تکنیک، تاکتیک و آمادگی بدنی است.

چرا که این زمان که بازیکنان با حداقل مسایل و توان ذهنی و روحی و بی وزنی روبرو هستند تغییر تکنیک و تاکتیک بازیکنان دیر شده و نتیجه ای برای شما ندارد و روان شناسی ورزش به کار شما می آید.

۳– شهامت برد و بردن را به تیم تان تزریق نمایید.

۴– به بازیکنانی که در این سه بازی اخیر خوب بازی نکرده اند بیشتر توجه نمایید و علت بد بازی کردن آنها را یافت نمایید.

۵– به نظرمی رسد با توجه به نتیجه بسیار تحقیرآمیز با صبا، آنالیز بازی کل تیم مهم تر از حتی بازی بد یک یا دو بازیکن در منظر شما می باشد.

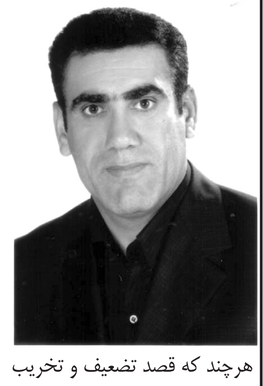
۶– تیم را به حالت تعادل برگردانید.

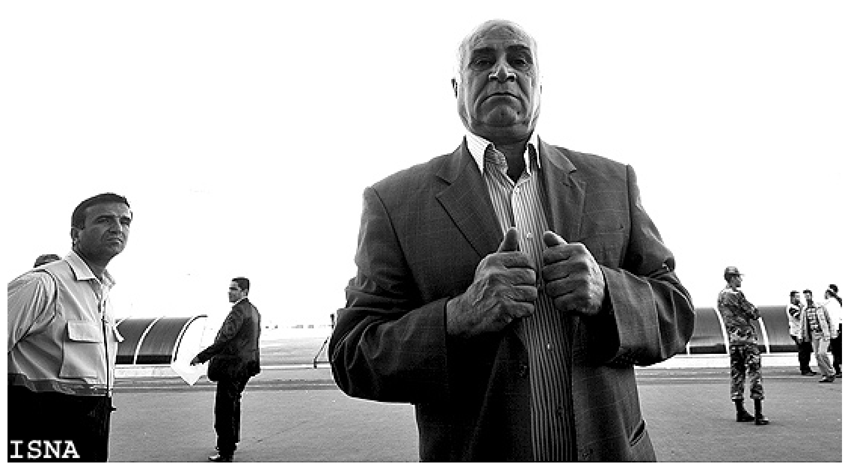
در وضعیت بحرانی فعلی باید بازیکنان خود را به آرامش فرا خوانید و با دادن انگیزه به آنها توضیح دهید که هنوز شانس موفقیت و کسب سه امتیاز و پیروز شدن دارند.

جناب یاوری، تمرکز، انگیزه، اعتماد به نفس و روحیه تیمی تاثیر مستقیمی بر تفکرات «اجرایی» شما دارند. منتظر می مانیم.

هشدا به سرهنگ فوتبال بوشهر

رضا سیاهوشی





هرچند که قصد تضعیف و تخریب یاوری نداشته و نمی خواهیم با شکست مقابل صبا دنیا را برسر شاهین و وی خراب نماییم و قبول داریم که تیم شاهین یارگیری خوبی انجام نداده است و شاید هم با توجه به امتیاز میزبانی مقابل ذوب آهن یا سپاهان پیروز میدان شویم. اما هشدار، تذکرات و انتقاد منطقی همراه با پیشنهاد سازنده شاید بتواند مفید واقع گردد و دیگر اینکه کمتر شاهد تکرار این باخت های سنگین و تحقیر آمیز برای شاهین و فوتبال بوشهر باشیم و همانطور که با پیروزی های شاهین مسروریم ،با باخت آن نیز غمگینیم و اگر نتوانیم حداقل ۲۰ امتیاز از دور رفت ذخیره نماییم قطعاً در بازی های برگشت، کارمان بسیار دشوار خواهد شد. باید باور داشت که در شکست شاهین مقابل صبا قم ، میتوان شخص محمودخان را مقصر اصلی این شکست سنگین قلمداد نمود زیرا که وقتی مربی مانند وی با آن تجربه غنی که در عمر فوتبالی خود کسب نموده و آشنایی کامل با فوتبال ایران و بخصوص از نظر روحی و روانی دارد و کسب این همه سال تجارب باعث کاندیدا شدن وی برای سرمربیگری مجدد تیم ملی و یا انتخاب مقتدرانه وی بعنوان نماینده مربیان لیگ برتری در کمیته فنی تیم ملی می گردد و همچنین شناختی که از تیم شاهین داشته و دارد و به قول خود قبل از قبول مسئولیت کادرفنی اخبار و بازی های این تیم را مرتب پیگیری می نموده ، چرا در وهله اول و قدم نخست به وضعیت نابسامان و متزلزل خط دفاعی خود برنامه ای ترسیم ننمود تا امروز دچار چنین بحرانی نگردد؟! منطقه ایی که همه فوتبالدوستان به آن اشاره می کردند و نیازی هم به کار کارشناسی و تجزیه و تحلیل فنی و مباحث وقت گیر نداشت. امیدوارم به ۶ مورد ذیل هم توجه حاصل فرمایید:

۱ – از اینکه ساندی یکی از بهترین بازیکنان خریداری شده شاهین در این فصل بوده نه من تماشاگران بلکه همه اهالی فن و کارشناسان هم این موضوع را تایید می نمایند و حضور وی در زمین بعنوان نقطه قوت تیم شاهین می دانند زیرا که با دوندگی و ارسال پاس های دقیق و عمقی که در فوتبال ایران کمتر دیده می شود ضمن کاستن فشار حملات حریفان ،حتا با تهاجمی تیم هم افزایش می دهد و حقیقتاً وزنه ای سنگین برای تیم بی مهره شاهین محسوب می شود که همه می بینند غیر از شما، هرچند روشن نیست که عدم استفاده از او از کارهای تاکتیکی است یا سلیقه ای؟ شاید هم لج و لجبازی که اصلاً نمی تواند قابل پذیرش باشد. یادتان رفت که در دقایق پایانی مقابل مس که او را از زمین بیرون کشاندی چه فشاری بر شاهین وارد شد و باعث به ثمر رساندن گلی هم توسط مسی ها گردید؟ مگر ریسک خطرناکی که مقابل استقلال اهواز انجام دادید و در نیمه اول بعلت عدم استفاده از وی باعث فشار شدید حملات تیم اهوازی به دروازه شاهین شد را فراموش کردید؟ اگر در همان بازی شوت سنگین میداودی که به تیر عمودی دروازه اصابت نمود و به زمین برگشت به گل تبدیل شده بود آیا به مانند بازی با تیم صبا میتوانستی تیم خود را جمع کنی و نتیجه را تغییر دهید؟

۲ – مگر در همان بازی با استقلال اهواز محسن حمیدی را محک نزدید و مجبور به تعویض آن در نیمه دوم نگردید؟ پس استفاده مجدد از آن در بازی سنگین تر و در مقابل تیم پرمهره، سرعتی و قدرتمند صبا قم اصلاً منطقی و قابل قبول نبود زیرا که علیرغم فقر شدید بازیکن در تیم شاهین ،بازی کردن چنین بازیکنی فقط تکمیل نمودن لیست و دادن فرصت به حریفان جهت نفوذ و فشار بیشتر روی دفاع ویران شاهین دارد.اگر بحث محک زدن می باشد یکبار هم از عارف زبیدی استفاده نمایید یا اگر میرفندرسکی از نظر فنی مورد تایید است چرا تکلیف خود و او را روشن نمی نمایید؟ وقتی من تماشاگر با توجه به شرایط موجود تشخیص می دهم که فعلاً بهادر عبدی در دفاع راست بهترین گزینه است و با توجه به هافبک های دونده و پرتعداد جلو خط دفاعی بیشتر به کار می آید، دلیل این تغییر آرایش چه می تواند باشد؟! و از نظر فنی هم آیا استفاده از عبدی در خانه در دفاع راست و در زمین حریف در پیستون راست که نیاز به بازی بسته و کنترل سرعت آنان می باشد صحیح است؟ راستی فکر نمی کنید که از نظر بدنی تیم تحلیل رفته است؟! آقای یاوری مربی پرتقالی از مربیان با دانش و کاربلدی است، حداقل تمرین دهی تیم را تحویل وی دهید تا هم پول های بی حساب و کتاب پرداخت شده هدر نروند و هم توان فنی و بدنی تیم افزایش یابد.

۳ – برای تیمی که دچار بحران بازیکن بخصوص در خط دفاعی می باشد و در انتخاب بازیکنان آن دقت لازم و کافی نگردیده، دیگر تکرار اشتباه جایز نخواهد بود زیرا که بخاطر رقابت شدید تیم های صعود کننده و سقوط کننده نیاز به تکمیل لیست به آنچه که نیاز ضروری تیم بوده، می باشد نه اضافه نمودن ناصر شکرون که فاقد کارنامه درخشانی است و دیگر اینکه از نظر مهاجم و خط حمله هم مشکلی احساس نمی شود. اما پرداخت ۱۷۰ میلیون تومان به این بازیکن ناآماده بر چه اساس و معیاری بوده؟ فقط آقای یاوری و مسئولان شاهین باید پاسخ دهند؟ و دیگر اینکه آیا اضافه نمودن عباس آقایی در این شرایط که خط میانی تیم مشکل خاصی نداشته و عمده ضعف تیم در خط دفاعی است می تواند منطقی باشد؟ چرا به فکر جذب باقری ها دفاع نیمکت نشین پرسپولیس و محمدی سنگربان ذخیره استقلال که دلخوشی از نیمکت نشینی ندارند، نیستید؟!

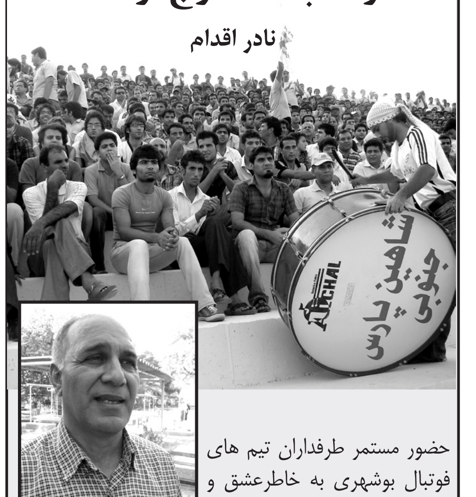
۴ – یقیناً کارایی عبدالله کرمی در وسط زمین بیشتر بوده و حتا می تواند انرژی خود را تا پایان بازی تقسیم نماید و بکارگرفتن او در پیستون چپ ضمن کاهش و تحلیل توان فنی وی باعث کاهش قدرت خط میانی و نهایت تضعیف تیم هم می گردد. آیا پرداخت ۲۵۰ میلیون تومان برای خرید مهدی کیانی و همچنین نگه داشتن رضا سلیمانی از بین بازیکنان لیگ یکی و عدم استفاده از آنان در این پست تخصصی و بعبارتی جابجایی نادرست بازیکنان، نمی تواند باعث افت و خیز شدید در تیم شاهین شده باشد؟ آیا می دانید که ما خود کار آنالیز و شناسایی نقاط قوت و ضعف تیم مان را برای حریفان ساده و سهل نموده ایم؟

۵ – جناب سرهنگ با توجه به اینکه علم فوتبال به روز شده و امکانات و تجهیزات پیشرفته موجود در آن و دیگر اینکه هر تیم از کادر فنی پرتعداد اما با تقسیم اختیارات و مسئولیت تعریف شده برخوردار می باشد و بخصوص در زمینه آنالیز کردن حریفان خود با دقت عمل می نمایند ،از شما بعید است که با این تجربه و سال ها حضور در فوتبال عنوان نمایی که مثلاً تیم صبا بخاطر تهدید مربیانش به اخراج مقابل ما انتحاری بازی کرد! فکر نمی کنید که این صحبت ها دیگر در فوتبال امروز و برای اهالی فوتبال منسوخ و مردود شده است؟ اگر به مصاحبه های بعد از بازی منصوریان و ضیایی رجوع و دقت نمایید متوجه خواهید شد که آنان با بحث های فنی خود نشان دادند که با استفاده از ضعف دفاعی و بخصوص عمق دفاع و از کار انداختن نقطه قوت شاهین که همان خط میانی است توانستند تاکتیک های مورد نظر خود پیاده را نمایند و موفق شوند.

۶ – اما محمود خان، باید پذیرفت که گاهی چشمان تیزبین کارشناسان، خبرنگاران و ورزشی نویسان می تواند نکاتی مثبت و ارزشمندی برای موفقیت شما بهمراه داشته باشد و شاید با اندک مدت اقامت خود در بوشهر به رفتار، منش، معرفت و برخورد با متانت مردم بوشهر پی برده باشید و در زمینه فوتبال هم ثابت نموده اند که علیرغم داشتن تعصب به تیم های مورد علاقه خود اما از دانش و شعور بالایی نیز برخوردارند. برهمین حسب از شما توقع و انتظار می رود که برای حفظ اعتبار و سابقه خود با تعامل و هم اندیشی با اهالی فن و همچنین استفاده از نقطه نظرات سازنده که بیشتر هم جنبه دلسوزی و مثبت گرایی دارد شاهین را زیبا پرواز دهید و شاهینی ها را خوشحال نمایید.

برنامه ریزی مدیریت ایمنی در مسابقات خارج از خانه

نادر اقدام





حضور مستمر طرفداران تیم های فوتبال بوشهری به خاطرعشق و علاقه به باشگاه در مسابقات خارج از خانه، سابقه چهل ساله داشت و موهبتی است که در حال حاضر کمتر تیمی ازآن برخودار است و بایستی به این امر ارزش گذاشت. در مطلب ذیل سعی شده است نظر مسئولان محترم باشگاه شاهین را به نکاتی در این زمینه معطوف داشته، ضمناً طرفداران تیم را به مسائل پیش رو مطلع و قانونمدار نماید.

اصولاً سفرهای خارج از خانه یک موضوع بسیار مهم است و باشگاه ها به نوعی مسئول حفظ سلامت و رفتار دوست داران مسافر خود هستند. اگر چه ممکن است قانون مقررات نوشته شده ای در این زمینه در سازمان تربیت بدنی یا فدراسیون فوتبال و هیئت های فوتبال نداشته باشیم. اما طبق بندهای از آئین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران اگر طرفداران یک تیم چه در بازی های خانگی و خارج از خانه باعث بی نظمی در روند مسابقات شوند، باشگاه و طرفداران با جریمه های سنگین مادی و معنوی و محرومیت های چند ساله در ارتباط با مقررات موجود مواجه گشته، لذا باشگاه می بایست در این زمینه آئین نامه مکتوب داشته تا هواداران طبق آن آئین نامه موظف به قبول و اجرای آن بوده و مطالب طی تشکیل جلسات و زیرنظر مسئول ایمنی باشگاه(۱) تفهیم و به صورت فیلم های ویدئویی و طی دفترچه در اختیار لیدرهای تیم قرار گیرد.

جهت تسهیل در مسافرت و پایین آوردن هزینه و به حداقل رساندن خطرات بین راهی طرفداران، باشگاه می بایستی مستقیماً با شرکت حمل و نقل یا تور گردان قراردادی کتبی در این زمینه منعقد نموده و روز و ساعت رفت و برگشت و مسیر را دقیقاً مشخص نماید. ضمناً شرکت متهد می شود در ساعت مقرر طرفداران را در نزدیک ترین و ایمن ترین نقطه به محل مسابقات پیاده و در پایان بازی سوار نموده و برای جلوگیری از هر گونه حادثه و رعایت مسائل ایمنی، موضوع از قبل با هیئت برگزار کننده و مسئول مسابقات و پلیس محلی هماهنگ گردد. این موضوع می تواند توسط سرپرست تیم یک روز قبل از مسابقه و اعزام هواداران در جلسه یا هیئت برگزار کننده مطرح شود. باشگاه از اعزام افراد بیمار و زیر ۱۸ سال معذور بوده و فقط هواداران عضو، مجاز به همراهی تیم می باشند. افرادی که توسط باشگاه اعزام می شوند بایستی نام، نشان آدرس و تلفن آنها مشخص باشد، ضمنا شرکت حمل و نقل یا تورگردان در بین راه به هیچ وجه حق سوار نمودن مسافرغریبه و بار را نداشته و حتی محل توقف وسیله نقلیه در طول مسیر رفت و برگشت مشخص گردیده و در صورت خرابی وسیله نقلیه شرکت متعهد است سریعاً وسیله نقلیه مناسب که دارای بیمه معتبر بدنه و حوادث باشد با هزینه خود تهیه و ترتیب حمل مسافران را نموده، در غیر اینصورت مسئول و پاسخگو خواهد بود. مسئولیت تهیه بلیط مسابقات و اسکان طرفداران(درصورت امکان) با باشگاه است. ولیکن باشگاه می تواند در صورت تمایل هزینه ها را از طرفداران اخذ نماید.

تأکید باشگاه بر معتبر بودن بیمه بدنه و شخص ثالث و وسیله نقلیه می تواند مسئولان باشگاه را از هر گونه مسائل حقوقی و بیمه در صورت حوادث بین راهی مصون و مبرا داشته و مسئولیت پرداخت هر گونه هزینه های دیه و بیمارستانی و غرامت ها به عهده شرکت های بیمه و طرف قرارداد می باشد.طرفداران متعهد هستند از حمل هر گونه فشفشه، ترقه، مواد آتش زا خودداری و از پرتاب هر گونه اشیاء از قبیل بطری های آب به داخل زمین یا به طرف تماشاگران و مسئولین برگزار کننده و داوران خودداری و از دادن هر گونه شعار ضد اخلاقی و غیر ورزشی و حمل پلاکارد و نوشته های سیاسی و توهین به دیگران در طول مسابقه خودداری نموده این موارد می تواند در منشور اخلاقی باشگاه مکتوب گردد.

استفاده از فشفشه و ترقه در استادیوم های ورزشی انگلستان سالهاست جرم جنایی محسوب می شود. در خیلی از کشورهای اروپایی طرفداران تیم مهمان با نظارت و همراهی پلیس قبل از تیم میزبان از استادیوم خارج گشته تا از هر گونه درگیری و ایجاد بی نظمی بعد از بازی خودداری گردد.

(۱) این ردیف می بایست اجباراً در چارت تشکیلاتی باشگاه درج شود.

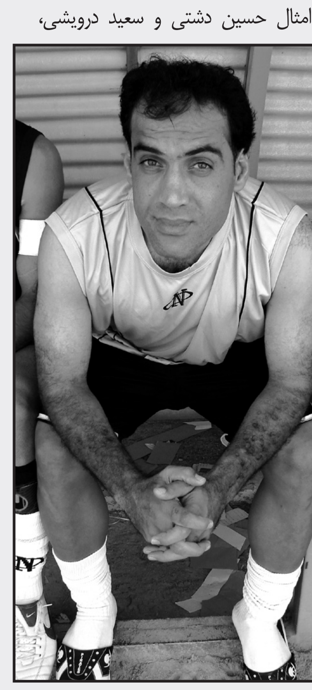
حسین دشتی، قربانی ضعف مدیریت

اسکندر احمدنیا



مدتها بود که او را از نزدیک ندیده بودم، آقای غریب زاده مربی جوانان بود و او را که در تیم ماندگار «گسار» بازی میکرد ودر آغاز دوران جوانی بود، به این تیم دعوت کرده بود. «ایمان» با تمام شور جوانی اش پخته و با نظم و باپشتکار زاید الوصف به توپ ضربه می زد و گوش به فرمان مربی بود. چند جلسه ای بازی های دوستانه و آمادگی را برایشان، سوت زدم، توی زمین، مثل پدر و فرزند و خیلی صادقانه با من، فرصتی که پیش می آمد گفتگو می کرد از رفتارش آشکار بود که «آتیه»ای، تابناک و درخشان دارد، ولی حیف... ایمان، با تعصب و غیرت ذاتیش، در حالیکه غم فراقی بزرگ و اندوهی جانکاه درون پاک و بی آلایشش را سوهان می زد. نرم نرمک، به «شاهین» پیوست، وفاداری او به شاهین و ماندن در پشت خاکریز سال ها ناکامی و محرومیت (محرومیتی که دامن سرزمین او را گرفته است) باعث شد تا در فوتبال کشور، کمتر نامی از او باشد. سعید درویشی در ایرانجوان، و او در شاهین، بخاطر تعلق خاطر به پیراهن باشگاه ماندند و ساختند و به ظاهر پیر شدند (اگر چه همین حالا جوانترین بازیگر صحنه هستند)، سعید هنوز در پس حصار نامرادی ها، غم دل با خلوت خود می گوید و ایمان، در شکوه تابش آفتاب فتحی بزرگ، ناصواب و بی رحمانه حذف می شود، چرا؟!

در روزی که پرشکوه ترین، روز بوشهری ها بود، ناگهان ابری پر از ملال آسمان دل و جان مشتاقان واقعی فوتبال را گرفت و خبر این بود که: نام «دشتی» کاپیتان پرآوازه ی متعصب شاهین از لیست لیگ برتر خذف شد! جل الخالق! به چه دلیل؟! اگر به نخبه ها، اعتقادی داشته باشیم، امثال حسین دشتی و سعید درویشی،



از نخبه های ورزش فوتبال بوشهر در مقطع کنونی هستند باید قبول کنیم که این تصمیم، تصمیم درستی نبود و نیست و ثمره ی آن فرار نخبه های فوتبال، از این دیار است. اگر ایمان حیدری، می رود اگر مهرداد کریمیان، اگر مهدی و قاید پور... از این پس آیندگان این رشته نیز، خواهند رفت و شک نکنیم که با اینکار و کارهای موازی و اداهای کجی که در می آوریم و بنام «حرفه ای» شدن تمامش می کنیم، ما را در دراز مدت، به ورطه ی خسرانی لاعلاج و دامنه دار دچار خواهد نمود. زیان و ضرری که معلوم نیست، چه هزینه ای می تواند چالش آنرا، در آینده ای نامشخص پرنماید

باری مدت ها بود که او را از نزدیک ندیده بودم، ماشینی سراسیمه ایستاد و جوانی منظم و آراسته با سرعتی محجوبانه به سمتم آمد، تا بخود آمدم، دست های مهربانش را حلقه برگردن خود دیدم، مثل پدری که فرزند به سفر رفته ای را مدت ها ندیده است و حالا به او رسیده است، بوسیدمش ایمان با اصالت (همان حسینی که نام غیرشناسنامه ای اش ایمان است) و خوش معرفت به اندازه ی صد سال، احترام فرزند به پدر را نثارم نمود. بعد از خوش و بش های معمول از او ایرادهایی گرفتم با گذاشتن دست بروی چشم پذیرفت. اما حرفی عنوان کرد از آن حرف هاکه اشکم را جاری ساخت، گفت: فلانی! خودت می دانی، که من خیلی کوچک بودم که مادرم را.. هر دو بغضمان گرفت ولی او با همان بغض تقریباً فرو خفته ادامه داد: من بعد از او، به شاهین دل بستم و دریغ...

ودریغ که رفتار ما رفتاری ستمگرانه است و آنقدر مدیریتمان ضعف دارد که هر لحظه نیازمند یک روانشناس در کنار خود هستیم!

خواندنی های بازی شاهین و صبای قم

فرزان اسدی



– هواداران شاهین در نیمه اول به دلیل دیر رسیدن لیدرهای تیم شاهین نتوانستند تشویق های منسجمی برای این تیم انجام دهند.

– نیمه اول بازی را شاهین با یک بی هدفی خاص دنبال می کرد ، پاس های اشتباه و جاگیریهای غلط از سوی بازیکنان این تیم و بی انگیزه بازی کردن بازیکنان باعث شد که این تیم در نیمه اول سه گل را از صبای قم دریافت نماید .

– جمال حق شناس ، دفاع شاهین در این بازی پراشتباه ظاهر شد و انتظارات را به مانند بازی های قبل برآورده نکرد .

– نیمه دوم اما با حملات طوفانی شاهین همراه بود ولی به دلیل دفاع کامل تیم صبای قم ، این تیم راه به جایی نبرد .

– پورخسروانی ، عبدی ، ساندی(نیمه دوم به بازی آمد) و پترویچ از بهترین های شاهین در این دیدار بودند.

– تشویق های هواداران تیم صبا نیز در نوع خود جالب بود ، چرا که تشویق های این هواداران به سبک و سیاق مداحی های رایج بود و نوع تشویق ها به سبک مداحی های حاج محمود کریمی برگزار می شد که برای هواداران تیم مهمان بسیار جالب بود.

– به نظر میرسد که تیم شاهین می بایست به روی هوادارن خود و کانون هواداران خود توجه ویژه ای نماید چرا که در بازی شاهین و صبا بعضی از هواداران با درگیری های داخلی میرفتند که شکافی در بین هواداران بوجود آورند ، که با تدبیر دیگر هواداران فیصله یافت ، قضیه از این قرار بود که یکی از هواداران که با دشداشه سفید به ورزشگاه آمده بود ، مورد اعتراض بعضی از هواداران شاهین قرار گرفت که تا مرز درگیری فیزیکی پیش رفت ، هوادار مذکور در بازی پرسپولیس تهران وشاهین بوشهر نیز حضور داشت.

– در این بازی نیروی انتظامی با نظم خاصی به کنترل تماشاگران پرداخته بود و ورزشگاه به شکل قابل تقدیری تحت پوشش این نیرو قرار داشت.

– بازهم به مانند بازی شاهین با استقلال اهواز ، درگیریی بین پلیس و تماشاگران بوجود آمد ، ولی فرق این بازی و آن بازی در مدیریت پلیس قم و عدم مدیریت پلیس اهواز در کنترل درگیری بود، قضیه به این قرار بود که یکی از هواداران شاهین بوشهر که ساکن قم بودند به همراه فرزند ۵ ساله خود به ورزشگاه آمده بودند ، به دلیل صحبت های نامربوط چند تماشاگر نما با یکدیگر، این فرد جای خود را تغییر داده و چند صندلی دورتر رفتند ، یکی از درجه داران حاضر در ورزشگاه ، با لحن خاصی خواستار بازگشت ایشان به همان جایگاه قبلی شدند(این شخص در همان جایگاهی که برای میهمانان یعنی هواداران شاهین در نظر گرفته بودند جابجا شده بود) ، رد و بدل شدن موضوع جابجایی منجر به تذکر پلیس مربوطه با چاشنی یک توهین بود!! که البته اینبار به نظر می رسید ، پلیس مورد نظر به کاهدان زده ، چرا که فرد مورد نظر، خود یکی از مسئولین مرتبط با نیروهای مسلح بود ، البته این موضوع پس از درگیری لفظی بین این درجه دار که اصرار بر درگیری با آن تماشاگر را داشت و یکی دیگر از همکارانش که او را مقصر این حادثه می دانست و به احتمال زیاد آن تماشاگر را مورد شناسایی قرار داده بود و همچنین دخالت یکی از مافوق های ایندو ، با مدیریت صحیح مافوق و عذر خواهی از تماشاگر مذکور ختم به خیر شد.

– تیم شاهین به رغم شکست سنگین مقابل تیم صبا و ناراحتی شدید هواداران ، باز هم پس از بازی با تشویق هوادارانش در ورزشگاه قم روبرو شد که این نشان از شخصیت و فهم بالای هواداران شاهین بود .



هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
نسیم جنوب
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷

روی خط ایرانجوان

ایرانجوان لیگ یک را با پیروزی آغاز کرد

ایرانجوان بوشهر۳ داماش لرستان۱



ایرانجوان با ترکیبی جدید از بازیکنانی تازه وارد به این تیم قدیمی بوشهر و با استفاده از بخت های بدست آمده، در یک روز پاییزی و در حضور تماشاگرانی که به نوعی با ایرانجوان آشتی کرده بودند، با سه گل تیم یکدست داماش را روانه لرستان کرد. در تیم ایرانجوان گلر آنها در کل خوب کار کرد بخصوص با دید خوب و پاس دقیق، گل سوم ایرانجوان را رقم زد. خط دفاعی ساده بازی کرد که در دفع توپ های بلند ارسالی با مشکل مواجه بودند. خط میانی سرخ پوشان بهترین خط بوشهری ها بود. خط حمله خوب بودند ولی درک خوبی از یکدیگر نداشتند. در این بین باید دید هنر کادر فنی در هفته های آینده به کار این تیم خواهد آمد یا خیر. امید است این تیم شایسته بوشهری برای هوادارانش و فوتبال یان شادی آور باشد.

گودرز خرمزی مربی تیم ایرانجوان :

زمان کمی برای هماهنگی ایرانجوان داشتیم



– اولین بازی شما مقابل داماش لرستان در لیگ دسته اول فوتبال ایران با یک پیروزی روحیه بخش توام شد در این خصوص چه نظری دارید؟
– با توجه به اینکه زمان کمی در امر آمادگی تیم در اختیار داشتیم بچه ها از موقعیت های بدست آمده بخوبی استفاده کردند و دل ایرانجوانی ها را شاد نمودند.
– در کل قبول دارید خوب گل زدید ولی خوب بازی نکردید؟
– شاید بد بازی کردن ما البته به قول شما، به دلیل زمان کمی بود که ما برای هماهنگی تیم داشتیم. انشاءا... روز به روز بهتر خواهیم شد.
– مثل اینکه رحیم فره وشی از کادر کمیته فنی شما جدا شده؟
– من در جریان نیستم.
– با دیگر اعضای کادر فنی هماهنگی، تعامل و همفکری دارید؟
– بله هماهنگ هستیم این مسئله روز به روز ببشتر خواهد شد.
– اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید؟
– از اینکه تماشاگران ایرانجوان در اولین روز مسابقات لیگ دسته اول، حضور خوبی داشته از آنها نهایت تشکر را دارم.

رحیم فره وشی پیشکسوت ایرانجوان:

ایرانجوانی ها بلایی به سر درویشی آوردند که شاهینی ها بر سر ایمان دشتی آورد



– آقا رحیم باخبر شدیم عمر فعالیت شما در کمیته فنی ایرانجوان، خیلی کوتاه بوده دلیل این مسئله چیست؟
– در تاریخ ۸۸/۶/۱۷ از طرف مدیرعامل ایرانجوان(سیامک احمدی) بنده به عنوان یکی از اعضای کمیته فنی تیم فوتبال ایرانجوان انتخاب شدم و حکم تحویل گرفتم. از آن تاریخ به بعد که حدود یک ماه می شد می رفتم سر تمرینات ایرانجوان، متاسفانه در این مدت نه کادر فنی با ما جلسه ای گذاشت نه معارفه ای صورت گرفت، متاسفانه هر کسی به هر نحوی که می توانست بازیکن می آورد داخل زمین و به کادر فنی معرفی می کرد و پایان تمرین هم بعضی ها گروه گروه می شدند و هر که می رفت با این و آن صحبت می کردند. کسی در این مدت با ما مشورت نمی کرد. حتی سرمربی.
– بخاطر همین مسائل دلگیر شدی؟
– بله عدم همکاری کادر فنی با کمیته فنی که هیچ نظری از ما نمی خواست. من قید همکاری را زدم و متن استعفانامه خود را در تاریخ ۸۸/۷/۱۶ هم به شما دادم هم به سیامک احمدی، با خودم گفتم اگر از این تیم جدا شوم بهتر خواهد بود.
– در خصوص سعید درویشی که ازتیم ایرانجوان کنار گذاشته شد چه نظر ی دارید؟
– به عقیده من با توجه به اینکه جناب ابراهیمی شناخت کاملی داشته نمی بایست او را از تیم کنار بگذارد اگر او را نمی خواست، نمی بایست او را به تمرینات فرا می خواند. نباید با بازیکنان قدیمی ایرانجوان این طور برخورد گردد. آنها بلایی به سر درویشی آوردند که شاهینی ها بر سر ایمان دشتی آوردند. اگر سرمربی ایرانجوان اعتقاد دارد درویشی سنش زیاد است باید از وی سئوال کنیم که چرا خودتان مدافع ۳۶ ساله (غلام زاده) را از شیراز به ایرانجوان آوردی.

این دفاع برای شاهین جواب نمی دهد

عباس سالارپور





تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر برای استمرار و ماندن در لیگ برتر راهی طولانی در پیش رو دارد و برای ادامه کار تا پایان فصل نیاز به برنامه ریزی دارد. شناخت، ارزیابی و آنالیز تیمهای لیگ از یک طرف و تقویت، برطرف کردن ضعف ها، تغییر در سیستم و تاکتیک های تیم را برای بقاء از طرفی دیگر، امری حساب ناپذیر و این در تخصص کادر فنی و در رأس آن سرمربی می باشد. در فوتبال روز دنیا علم و دانش همراه با برنامه ریزی و تجربه حرف اول را میزند داشتن آن عامل موفقیت و نبود آن به بیراهه رفتن است.

پس از تعویض مربی و آمدن محمود یاوری پنج مسابقه شاهین انجام داد که ماحصل آن یک برد شیرین، سه تساوی و اخیراً شکست سنگین از تیم صبای قم در شهر قم که نسبت به پنج بازی اول، تیم بهتر ظاهر شده و در ردیف چهاردهم جدول جا خوش کرده است. این نتیجه شوکی بوده است که به تیم وارد شده و تاثیریست که یاوری در تیم داشته است اما مشکل اصلی تیم که همانا ضعف خط دفاع و اشکال در ساختار دفاعی تیم بجای خود باقییست. باخت چهار بر صفر هفته دهم با صبای قم در شهر قم تیمی که سیر نزولی در جدول داشت و به بحران نزدیک میشد، به علت کم اطلاعی و یا نداشتن شناخت کافی وضعف در دفاع نمی توانستند که چهار گل که سه گل اول در سی دقیقه اول بازی یعنی هر ده دقیقه یک گل وارد، دروازه شاهین و گل چهارم که خود ناظر آن بودم روی یک کار گروهی خوب تیم صبا و جا ماندن بازیکنان خط دفاع، تعلل در دفع توپ و کند عمل کردن و عدم یارگیری صحیح بدست آمد؛ اینکه در فوتبال هیچ چیز قابل پیش بینی نیست اما با توجه به سه بازیکن شناخته شده و با تکنیک تیم صبا بنامهای فضلی، حقی و رضائی که هر سه از بازیکنان تاثیر گذار و از قضا همین سه بازیکن تمام گلهای صبا را به ثبت رسانده اند در اینگونه مواقع گل نخوردن باید در دستور کار تیم بخصوص در بیست دقیقه اول بازی قرار گرفته و با دفاع من تو من از نیمه زمین تیم حریف بازیکنان سرعتی حریف را از کار انداخت تا آرام آرام شرایط بازی بحالت عادی برگشته و بازی از تب و تاب بیافتد و استرس به تیم میزبان وارد شود و تیم شاهین بازی را در دست بگیرد.

فصل گذشته تیم شاهین بخاطر برتری دفاع در جام آزادگان به لیگ برتر صعود کرد ولی آن دفاع برای این بازیها جواب نمی دهد باید تجدیدنظر کرد. کندی دفاع و خط هافبک در ضد حملات با فاصله زیاد بین آنها و پراکندگی بین هر سه گروه تیم یکی از اصلی ترین ایرادات تیم است و هر چه زودتر بفکر چاره ای باشید.

این شکل که در یک بازی چهار گل شاهین به مس کرمان بزند و در یک بازی با صبای قم چهار گل بخورد این ثبات تیمی از بین می برد روزمرگی و نتیجه گرائی بدترین آفت برای تیم محسوب میشود و شاهین در سالهای گذشته از همین مقوله ضربه خورده و خاطرات خوشی از آن ندارد. به امید موفقیت و بهروزی برای تیم شاهین.

محمود یاوری سرمربی شاهین :

دفاع ضعیف نیست حالت دفاعی مان ضعیف است



نمی خواهم بازیکنان شق القمر کنند

بازی که برابر صبا قم انجام دادیم اصلاً به دلم نچسبید، تاسف می خورم که بچه های ما قدر ارزشهای خودشان را نمی دانند، بچه ها می توانند بهتر از این که هستند باشند من نمی خواهم که آنها شق القمر کنند یا روی سیم راه بروند.

به تیم ها فشار وارد می شود

به دلیل فشردگی بازیها که فدراسیون و سازمان لیگ، پنج روز به پنج روز برای تیم ها مسابقه می گذارد. به اکثر تیم ها فشار وارد می شود که در این خصوص مسائلی مثل مصدومیت و سه اخطاره شدن بازیکن را به همراه خواهد داشت.

گلر کیلویی ۱۰ میلیون تومان

در مملکت ما گلر کیلویی ۱۰ میلیون تومان است. یعنی مهدی رحمتی ۷۰۰ میلیون تومان قیمت داره ولی کسی که ۶ گل می زند باید ۲۰۰ میلیون بگیرد. فدراسیون در خصوص قانون عدم استفاده از گلرهای خارجی، تصمیم خوبی نگرفته ما نباید از امارات متحده عربی الگو برداری کنیم. باید برای لیگ ۱ محدودیت قائل شویم که گلر های خوبی در آن لیگ آبدیده شدند تا در لیگ برتر به بازی گرفته شوند.

حالت دفاعی مان ضعیف است

من از ساختار دفاعی ناراحت هستم و نوع دفاع کردن ما، اگر هافبک خوب کار کند به دفاع این قدر فشار وارد نمی شود. اگر خط حمله مثل بازی با مس کرمان، خوب کار کند رو دفاع فشار نمی آید. پس ما دفاع مان ضعیف نیست حالت دفاعی مان ضعیف است ما هر روز داریم رو دفاع کار می کنیم و من امیدوارم این اشکال تا نیم فصل رفع شود.

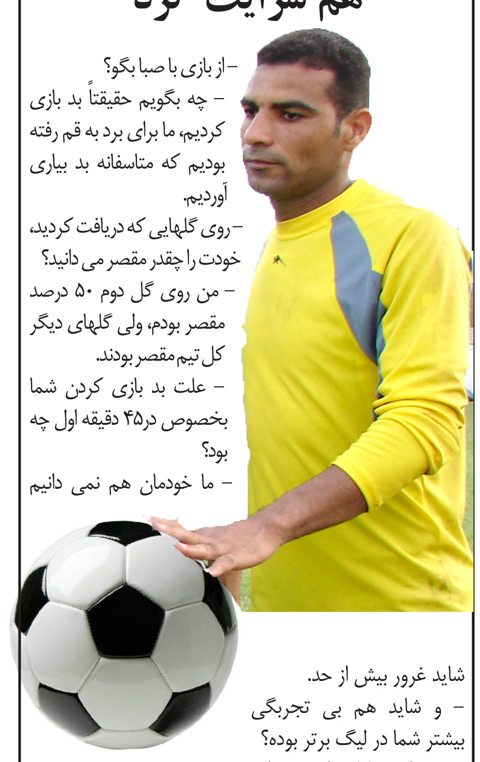
من همشهری نمی شناسم، پیراهن شاهین وتعهدم را می شناسم و برای موفقیت شاهین تلاش می کنم. انشاءا... در این مسیر هواداران صبر صبر صبر داشته باشند.

اقدام عجیب فدراسیون

به قول شاعر که می گوید در بلخ گنه کرد آهنگری... حالا حکایت ما شده و بازیکن سه اخطاره تیم پاس (روزبه شاه علی دوست) این بازیکن باید مقابل ما بازی نمی کرد که در یک اقدام عجیب فدراسیون، برابر راه آهن بازی نکرد.

مجتبی روشنگر دروازه بان شاهین:

ساکت بودن کاپیتان به من هم سرایت کرد



–از بازی با صبا بگو؟
– چه بگویم حقیقتاً بد بازی کردیم، ما برای برد به قم رفته بودیم که متاسفانه بد بیاری آوردیم.
–روی گلهایی که دریافت کردید، خودت را چقدر مقصر می دانید؟
– من روی گل دوم ۵۰ درصد مقصر بودم، ولی گلهای دیگر کل تیم مقصر بودند.
– علت بد بازی کردن شما بخصوص در۴۵ دقیقه اول چه بود؟
– ما خودمان هم نمی دانیم شاید غرور بیش از حد.
– و شاید هم بی تجربگی بیشتر شما در لیگ برتر بوده؟
– من این دلیل را نمی دانم چون در مقابل پرسپولیس تهران و مس کرمان خوب بازی کردیم.
– شما در جریان بازی خیلی کم حرف هستید و آنطور شایسته و بایسته با مدافعان گپ نمی زنید؟
– با مدافعان حرف می زنم والله چه بگم، نه نگم بهتره.
– چرا نگویی چیزی در دلت نگذار؟– چون کاپیتان ما آقا رضا کم صحبت می کند این مسئله به من هم سرایت کرد.
– قول می دهی اگر در برابر ذوب آهن اصفهان، درون دروازه شاهین بودی هم اشتباهاتت کمتر شود و هم بیشتر با خط دفاعی ات صحبت کنی؟ – انشاءا... اگر بازی کردیم سعی خواهم کرد برای پیروزی برابر ذوب آهن، تمام تلاشم را انجام دهم.

وحید دانش طلب بازیکن پرسپولیس برازجان:

شاهین و ایرانجوان اعتقادی به بومی گرایی ندارند



– چرا در ایرانجوان با شاهین بازی نکردی؟ اشکال کار درکجا بود؟
– متاسفانه دو تیم شاهین و ایرانجوان اعتقادی به بومی گرایی ندارند و در حال حاضر برای غیر بومی ها تیم داری می کنند. شما به تیم ایرانجوان نگاه کنید، مگر سال گذشته در لیگ ۲ با این همه بازیکن غیربومی به کجا رسید که امسال هم این کار را تکرار کرد؟
–با توجه به صحبت های فوق، آینده فوتبال جوانان رو به رشد بوشهری چه خواهد شد؟
– از دهه ۶۰ تا بحال این دو تیم حتی یک بازیکن جوان را رد نکردند و یک فوتبالیست را به رده های بالای فوتبال ایران نفرستادند و این هم چیزی نیست غیر از بی اهمیتی به بومی ها
– چه شد که به پرسپولیس برازجان پیوستی؟
– وقتی «سری» در فوتبال بوشهر به اسم غیربومی گرایی وجود دارد، باید فوتبالیست های بوشهر به تیم های غیر بوشهری بروند. من هم که پرسپولیس را انتخاب کردم، صداقت مدیرباشگاه، آقای رضوی و صمیمت کادر فنی را دیدم که چنین تصمیم گرفتم. و حال هم حس می کنم که سالها در کنار آنها هستم.
– عملکرد کللی فرد و یاوری را چگونه ارزیابی می کنید؟
– هر دو از مربیان بزرگی هستند. به نظر من، وقتی که به کللی فرد دادند خیلی کم بود، در خصوص یاوری هم باید عرض کنم که ایشان از تجربه بالاتری در لیگ برتر برخوردار است و با هدایت خوب وی شاهین توانسته تقریباً نتایج قابل قبولی بگیرد.
–گپ پایانی؟– به هر حال فعلاً ما از فوتبال شاهین و ایرانجوان دورشدیم، امیدواریم دو تیم موفق باشند برآن باشید که تیم پرسپولیس برازجان یکی از تیم هایی است که با حمایت همه جانبه جناب آقای رضوی، به لیگ دسته اول صعود خواهد کرد. از همه بوشهری ها می خواهم که برای موفقیتم دعا کنند.

روی دروازه شاهین

علیرضا محمدی :
مدیر روابط عمومی شاهین پارس جنوبی بوشهر

دریافت ۲۰۰ میلیون

با تلاش حسین کنگانی مدیرعامل شاهین۲۰۰ میلیون باقیمانده مبلغ مقرر از منطقه ویژه روز چهارشنبه دریافت گردید.

برپایی نماز به امامت آیت الله بوشهری

اعضاء تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر در بدو ورود خود به شهر مقدس قم، نزد آیت الله حسینی بوشهری جهت اقامه نماز مغرب و عشاء رفتند و ضمن تبریک به مناسبت انتصاب آن بزرگوار به سمت امام جمعه قم از بیانات و راهنمائیهای ایشان استفاده کردند.

حضور دستیار قطبی مسابقه شاهین

مربی هلندی و دستیار اول افشین قطبی سرمربی تیم ملی ایران در دیدار دو تیم صبا باتری و شاهین بوشهر جهت انتخاب و بررسی نفرات مورد نظر حضور داشت.

دروازه ورزشگاه استاندارد نبود

اندازه استاندارد ارتفاع دروازه فوتبال دو متر و ۴۴ سانتی متر است که دروازه ضلح شمالی ورزشگاه یادگار امام قم ۵ سانتی متر بلندتر بود که با ناظر بازی با اندازه گیری ارتفاع دروازه متوجه این مورد گردید.

غیرت بوشهری ها از ملی پوشان مازندران مغلوب ساخت



گلها :مصطفی کیانی(۱۳و۹)ومحمود ایوبی(۳۶و۳۵) برای دریا نوردان––داودی(۷)قربانی(۲۷)وامیدی(۲۹) برای مازندران.

تیم فوتبال ساحلی دریانوردان (قدس) بوشهر هفته دوم مسابقات لیگ برتر فوتبال ساحلی ایران را با پیروزی پشت سر گذاشت. جمعه گذشته ۱۷ مهر ماه ۸۸ تیم دریا نوردان میزبان تیم پرقدرت، فنی وپرحاشیه سازه سرای مازندران بود. این تیم شمالی که از سه ملی پوش سود می بردو برای کسب سه امتیاز به بوشهر آمده بود تا دو دقیقه پایانی با نتیجه سه بر دو، عرصه رابر بوشهری ها تنگ کرده بود ولی غیرت جنوبی ها اجازه نداد تا سه امتیاز از بوشهر خارج شود، روی همین اصل در لحظات پایانی ساحلی بازان دریا نوردان با هنر نمایی خود، کام مازندرانی ها را تلخ کردند و آنها را با شکست روانه ساری نمودند. دراین بازی نفس گیر، کیانی وایوبی هر کدام با به ثمر رساندن دو گل، پیروزی دریانوردان را رقم زدند.



روی خط شاهین

رضا بازیاری کاپیتان شاهین :

شرمنده هواداران شدیم



– آقا رضا چه شد، بدجور از صبا شکست خوردید؟
– چه بگویم، به نظرم مهم ترین مسئله ما عدم خودباوری و نداشتن انگیزه بود
– مشکل جسمانی و مسائل روحی وروانی در کار شما تاثیر گزار نبود؟
– نه، بچه ها خوب بودند عرض کردم عمده ترین مسئله تیم ما عدم انگیزه بود
– برای چه بی انگیزه بودید؟
– نمی دانم، چرا برابر صبا شکننده بودیم.
– فکر می کنی این شکست زمان خوبی برای شما چراغ قرمز را روشن کرد؟
– بله، این باخت خیلی بجا بود. امیدوارم بچه ها به خودشون بیایند تا بازی های بعدی را بهتر کار کنند
– به نظر شما تفاوت شاهین با صبا، ۴ گل بود؟
– صبا تیمش خوب بود و صاحب تجربه اما اصلاً تفاوت ما چهار گل نبود
– با ذوب آهن چکار خواهید کرد؟
– ذوب آهن تیم خوبی است. انشاءا... که نمی گذاریم نتیجه صبا، دیگر تکرار شود و برای پیروزی به میدان خواهم رفت
– ذوب آهن خط هافبک و مهاجمان سرعتی و فرصت طلبی دارد. آیا برای آنها برنامه ای دارید؟
– مطمئن باشید که آنها را کنترل خواهیم کرد
– گپ پایانی؟
– بنویس شرمنده هواداران شدیم که به قم آمده بودند. امیدوارم با پیروزی مقابل ذوب آهن، گوشه ای از محبت آنها را جبران کنیم.

بهادر عبدی هافبک شاهین :

همه مقصر هستند



– چرا بازی بدی برابر صبا انجام دادید؟
– دو نیمه متفاوت داشتیم، نیمه اول کارهای که از ما خواسته بودند نتوانستیم انجام دهیم اما در نیمه دوم بهتر شدم ولی یه مقدار دیر شد فکر کنم باز ی خوبی از آب درنیامد.
– از بازی خودت رضایت داشتی؟
– وقتی تیم می بازه، همه مقصر هستند، من هم بازیکن تیم هستم و در شکست ها مقصرم
– علت اصلی باخت با چهار گل مقابل تیم قمی چه بود؟
– باید بیشتر به نصایح کادر فنی گوش بدهیم، بیشتر مسئولیت پذیر بازی کنیم و برای بازی در لیگ برتر می بایست بزرگتر فکر کنیم
– در این بازی با مشکل بدنی و روحی مواجه نبودید؟
– نه خدا را شکر از لحاظ بدنی و روحی مشکل نداشتیم، ما قبل بازی با صبا اصلاً به مساوی هم فکر نمی کردیم. باید یه مقدار تلاشمان بیشتر کنیم تا ایرادهایمان در تمرین پیدا و حل شود.
– از اینکه در ترکیب های مختلف در چند پست بازی می کنید ناراحت نیستید؟
– نه خبر، من مشکل ندارم چه چپ چه راست راحت بازی می کنم، در تیم های قبلی هم برای مربیان همین حکم را داشتیم.
– بازی با ذوب آهن چه کار خواهید کرد؟
– با این نتیجه ای که برابر صبا قم گرفتیم ، باید با یک نتیجه خوب دل همه هواداران را شاد کنیم.

نونهال بوشهری چهارمین قهرمان کشور

در مسابقات قهرمانی کشور ، رشته پرش با اسب که در تهران (باشگاه سوار کاری نوروز آباد) برگزار گردید، در رده سنی نونهالان تارخ پرند تنها سوار کار شرکت کننده در این رده از استان بوشهر توانست در بین ۳۴ شرکت کننده از سراسر کشور مقام چهارم قهرمانی کشور را نصیب خود و استان نماید . وی امسال با شرکت در مسابقات جام پیشرفت نیز مقام ششم و در جام نشاطی مدال نقره را برگردن آویخت و نایب قهرمانی این دوره از مسابقات را کسب کرد .

پرند – موقعیت خود را در وهله نخست عنایت پروردگار و حمایت پدر و مادر و آنگاه تلاش مسئولین استان از جمله وردیانی مدیر کل تربیت بدنی و جعفری ریاست کارگاه اتمی و



گیلانی ریاست سوار کاری استان که واقعا برای این ورزشکار و هیئت زحمت فراوان کشیده است، می داند .